

سپهر

پنجشنبه بیستم خرداد ۱۳۵۸

نویسنده: علی اصغر حاج سیدجولدی

سهم اندیشه و تفکر در انقلاب

شرایط دوران انقلاب و دوران پس از انقلاب

انقلاب مایه‌ای رسیدن به پیروزی ناچار است تمام نیروهای انسانی و فکری جامعه را برای طراحی آینده و پیشرفت هدفها و برنامه‌ها به گیرد.

شروع به هرگونه انحصار طلبی قدم گذاشتن در راه شکست انقلاب است

جانانه شیوه دین پروری بود، حاشا همه کرامت و لطف است شرع یزدانی

جاری است دارد از میان بر میدارد. وصف توکولیل از انقلاب کبیر فرانسه در حقیقت پیشگویی ای پیامبرانه از انقلاب خونین ایران است. انقلاب ایران با هیچیک از انقلابات سنتی ومدرن تاریخ معاصر جهان شباهتی ندارد به این جهت پدیده ای نوظهور در جهانی است که مشخصه تغییرات بنیادی آن را در مولدی چند میتوان خلاصه کرد. در دنیای معاصر مادرگونی های سیاسی یا بصورت انقلابهای طبقاتی صورت میگیرد نظیر انقلاب اکثر و انقلاب چین و کوبا که دارای زیر بقیه در صفحه ۲

ان را در زمانهای مختلف و در کشورهای گوناگون تغییر میداد به یک سوتنیم و تنها به نقش انقلاب بزرگ فرانسه مینگریم روشن می بینیم که اثرات آن به وجهی ساده عبارت بوده است از منسوخ ساختن آن دستگاههای سیاسی که قرنها بر غالب ملل اروپا حکمفرما بوده اند و هرآنچه را که در نظام پیشین جامعه از تاسیسات ملوک الطوائفی و ترتیبات اشرافیت ناشی میشده است با به کلی از میان برداشته و یا در جاهانی که هنوز این انقلاب

و وحدت زبانیشان به گروهها و فرقه هایی چند تجزیه کرده به درجه ای که زمانی چند عده از اهالی یک کشور را دشمن یکدیگر ساخت. و خوشاوندان نزدیک را باهم بیگانه کرد و یا برعکس برافراز تمامی ملیت های مخصوص کشوری مشترک بنیان نهاد که در آن کشور مشترک افراد کلیه ملت های داخل آن هموطن یکدیگر بشمار میامدند. هرگاه تظاهرات تصادفی این انقلاب که چهره

آنکسی دوتوکولیل سیاستمدار و جامعه شناس بزرگ فرانسوی در کتاب معروف خود بنام «انقلاب فرانسه سرزمین خاصی از آن خویش نداشت. و در واقع آثار آن از جهتی کلیه مرزهای قدیمی را در نور دید. این انقلاب از یک سو گروههای زیادی از مردم را به دور خود گرد آورد و از طرف دیگر جماعتی از مردم را علیه غم قوانین و سنت های کهن مشترک و خصایص قومی

بررسی موضع انقلاب

دکتر محمد قلی محمدی
بحثی در میگیرد که شدت و جهت آن از پیش بوسیله استراتژیهای امریکا تعیین شده بود. آیا صلاح است که امریکا قبل از تغییر روش شوروی در سیاست تسلیحاتی خود پیمان سالت ۲ را که به نتایج ملموسی رسیده است، امضاء کند؟ و نتیجه از پیش تعیین شده چنین جنگ زرگری تذکر سنا به کاخ سفید است که: «نمایندگان ملت امریکا امضای پیمان سالت ۲ را مفایر منافع امریکا و جهان غرب دانسته و بخاطر بقیه در صفحه ۶

در هفته ای که گذشت در روزنامه ها خواندیم که جهان در آستانه ملاقات سران دو ابر قدرت کاتر و برژنف قرار گرفته است و در این ملاقات در کنار مذاکرات مربوط به سالت ۲ مسئله انقلاب ایران و نتایج ناشی از آن نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت. خواندن این خبر برای خواننده این سوال را مطرح میسازد که چگونه این پیوند بین دو مسئله، که یکی جهانی و دیگری، لااقل در تاثیر اولیه خود منطقه ای است میتواند پدید آید از چند هفته پیش بین کاخ سفید و سنای امریکا

مصاحبه مطبوعاتی با حسن نزیه مدیرعامل شرکت ملی نفت مصاحبه کننده: نریا کرباسی

هفت میلیارد ریال صرفه جوئی در شرکت نفت

مصاحبه مدیرعامل نفت گزارشی ارزنده بود چون فروش گاز به صرفه مانبود، خط دوم لوله را متوقف کردیم

ایفای حسن نزیه مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران روز پنجشنبه گذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد نزیه در اول مصاحبه گفت: از روز ۱۴ اسفند که اولین کارون صدور نفت از خارک راه افتاد تا به امروز روز به روز وضع بهتر شده و بر خلاف شایعاتی که گاهی چشمه و گریخته شنیده میشود که نفت صادر نمیشود باید گفت این خبر مطلقا صحت ندارد و روزی ۳ میلیون و ۲۰۰ تا ۲۰۰ هزار بشکه در روز صادر می گردد. در ماههای اخیر خوزستان هم کارگران عزیز نفت از پالایشگاه مثل نکبئی محافظت می کنند و همه ایمن خود را به انقلاب محظوظ داشته و دارند و از هر کفره نفت مثل قطره خون خود حفاظت می نمایند من از اینجا به همه کارکنان و کارگران صنعت نفت درود می فرستم.

بر اساس این مصاحبه و تصمیم به فروش آنها داریم. باجگیریها نزیه سپس گفت از بودجه شرکت نفت کمکهای زیادی به مؤسسات باصلاح خیریه و فرهنگی می شده که در موازاتی حکم باج داشته و در مولدی کمک بلاعوض و در مولدی مهم جنبه راضی کردن را داشته و صرفه جویی از این محل بالغ بر یک میلیارد ریال در سال است. یکی از همکاران خواهش کرده مطبوعات و روزنامه نگارانی که از این بودجه مخصوص استفاده می کنند را نام ببرند و آقای نزیه قول دادند که در مصاحبه مطبوعاتی آینده نام آنها اعلام گردد. نزیه گفت خلاصه این صرفه جوئی ها مجموعا بالغ بر ۷ میلیارد ریال در سال میشود.

پاکسازی و رفاه در مورد پاکسازی شرکت نفت نزیه گفت از نظر من پاکسازی و بازسازی است چون هر نوع شناختی که به صنعت نفت قطعه میزد اقداماتی چه در جنوب و چه در شمال بعمل آید عده ای بر کنار از خدمت شدند عده ای منتقل و عده ای تئیت گشتند در آبادان حدود ۶۰ نفر از خدمت معاف یا باز نشسته شدند. در انعام پالایشگاه و عملیات غیر صنعتی ۶۵ میلیون ریال صرفه جوئی میشود در ضمن یک قطعه زمین با ۱۰ میلیون تومان با کلیه کمکهای قرضی و مهندسی در اختیار فرمانداری آبادان قرار گرفت که ۲۹۰ دستگاه خانه برای مستضعفین بسازد. دو قطعه زمین برای ۲۰۰۰ واحد مسکونی برای کارگران به شرکت تعاونی داده شد و همچنین اقداماتی برای ساختن ۷۵۰ دستگاه خانه برای کارمندان انجام شد البته ۴۰۰ واحد مسکونی مارا عده ای بنام مستضعف ولی بجزوز گرفتند که بعضی از آنها منزل دارند و امیدواریم با اعتقاد بر اینکه اسلام غضب را حرام می داند آنها را تخلیه نمایند.

نزیه گفت: بخدمت عده زیادی از کارکنان خارجی که حقوقهای گزاف دریافت می داشتند خانه داده شد همبطور کسانی که بیش از ۷۰ هزار تومان در ماه دریافت می داشتند یا بازنشسته و یا از خدمت معاف شدند متقاضیان حقوق یک مدیر به ۱۰۰ الی ۱۲۰ هزار تومان در ماه بالغ میشد باضافه یک یا دو یا سه اتومبیل باضافه راننده و در ضمن این مدیران بعضی کارگران شرکت را هم در منزل بکار می گرفتند که بکار همه اینها خانه داده شد شرکت آپروس در لندن که حدود ۵۰ کارمند داشت به ۹ کارمند تقلیل دادیم در نیویورک شرکت نفت سه دستگاه آپارتمان وابسته به بنیاد پهلوی را از قرار مابقی ۵۰ هزار دلار گزایه کرده بود که البته این ساختمان با استقراف ۴۰ میلیون دلار از بانک ملی ایران ساخته شده بود من دستور دادم که این آپارتمان ها را تخلیه کنند. در تهران هم ۱۴ دستگاه در اختیار داریم که ۹ دستگاه آن اجاره ای است که دو نمونه آن در آپارتمان هوست مورد علاقه شاه سابق بنام شاهپور ریپورتر است که یکی را ۸۰۰ هزار تومان و دیگری را ۲۵۰ هزار تومان اجاره کرده اند و با اطلاع از اینکه کارشناس دادگستری آپارتمان ۸۰۰ هزار تومانی را بیش از ۲۰۰ هزار تومان قیمت گذاری نکرده بود. تصدای هواپیمای و هلیکوپتر است که بیشتر آنها مازاد

در باره لایحه مطبوعات

لایحه مطبوعات لایحه ای جامع نیست. زیرا جامعه انقلابی اگر مصمم به پیروزی میانی آزادی باشد چارچوب مشخصی از حدود آزادیهای مشروع انقلاب را ارائه می دهد. آزادی بدون حدود مرز وجود ندارد. اگر کسی ادعا کند که همه کس همه چیز میتواند بنویسد یا درصدد عوامفریبی است یا از قوانین ضروری انقلاب اطلاعی ندارد. مطبوعات میتواند بدون قانون خاصی تابع قوانین عمومی جامعه باشد. بشرطی که این قوانین در حفظ و صیانت انقلاب از دستبرد ارتجاع و هرج و مرج قوانین جامع و مانع باشد. هیچ نظامی اجازه نمی دهد که هرکس باسم آزادی هرچه داند خواست بنویسد اما به شرطی که از نظام خود از اساس در جهت بسط آزادیهای بنیادی و تعمیم فرهنگ آزادی قید بردارد. ممیزی در یک سو بصورت سانسور برای جلوگیری از آزادی و نشر فرهنگ آزادی است و از سوی دیگر بمعنای جلوگیری از سقوط آزادی در چنگال هرج و مرج می باشد. لایحه ای که برای مطبوعات منتشر شده است نقائص فراوان است. مثل ماده ۱۱ که ناشر را ملزم به قید اصول فکری و اعتقادی و روش تشریح در بالای صفحه اول می نماید. و یا ماده ۱۲ که تحویل هر شماره از روزنامه به مراجع مختلف قانون است و یا ماده ۱۵ که نویسنده را موظف به قید اسم خود در زیر مقاله می کند. و یا ماده ۱۷ و ۱۸ و تبصره این مواد و ماده

در مورد پاکسازی شرکت نفت نزیه گفت از نظر من پاکسازی و بازسازی است چون هر نوع شناختی که به صنعت نفت قطعه میزد اقداماتی چه در جنوب و چه در شمال بعمل آید عده ای بر کنار از خدمت شدند عده ای منتقل و عده ای تئیت گشتند در آبادان حدود ۶۰ نفر از خدمت معاف یا باز نشسته شدند. در انعام پالایشگاه و عملیات غیر صنعتی ۶۵ میلیون ریال صرفه جوئی میشود در ضمن یک قطعه زمین با ۱۰ میلیون تومان با کلیه کمکهای قرضی و مهندسی در اختیار فرمانداری آبادان قرار گرفت که ۲۹۰ دستگاه خانه برای مستضعفین بسازد. دو قطعه زمین برای ۲۰۰۰ واحد مسکونی برای کارگران به شرکت تعاونی داده شد و همچنین اقداماتی برای ساختن ۷۵۰ دستگاه خانه برای کارمندان انجام شد البته ۴۰۰ واحد مسکونی مارا عده ای بنام مستضعف ولی بجزوز گرفتند که بعضی از آنها منزل دارند و امیدواریم با اعتقاد بر اینکه اسلام غضب را حرام می داند آنها را تخلیه نمایند.

بقیه در صفحه ۵

بنای سازمانی مشخصی است و یا بصورت کودتاهای نظامی که هدف آن ها جابجایی قدرت از دست گروهی بگروه دیگر و احیاناً از دست گروهی ارتجاعی به دست گروهی مترجمتر میباشد.

انقلاب ما دارای هیچیک از این دو مشخصه نیست، انقلاب ما قیام سراسری یک جامعه ستمدیده است که هدفهای نهانی دراز مدت آن خود بخود در درون هدفهای انی و کوتاه مدتش نهفته است. هدفهای کوتاه مدت انقلاب ما منسوخ ساختن آن دستگاهها و سازمانهای سیاسی است که قرنها بر مردم جامعه ما حکمفرما بود. هیچ حادثه اجتماعی نمیتواند به تنهایی معلول یک عامل یا یک علت باشد و مجموعاً گروهی از عوامل بطور آشکار و نهان باعث بروز پدیده های اجتماعی میشوند. انقلاب ما نیز با تمام خصوصیات استثنائی خود از این قانون کلی برکنار نیست.

انقلاب ما از ترکیب و تاثیر متقابل ودانسی دو عامل بوجود آمد:

عامل اول - فشار و استبداد.

عامل دوم - فساد و تباهی.

تبلور استبداد و فساد در وجود یک فرد در طی سالها تمامی دستگاههای اجتماعی و اقتصادی جامعه را فرا گرفته بود. معادله و موازنه این دو عامل با ایجاد یک پدیده تازه بکلی برهم خورد و سنتز و نتیجه این پدیده تازه در دو عامل دیگر سرعت بخشیدن پراکنج انفجار و انقلاب بود.

وقتی عواید نفت ما به اضعاف مضاعف بالا رفت و به مرز ۲۱ و ۲۲ میلیارد دلار در سال رسید فساد با ابعادی گسترده تر از قبل بر فشار پیشی گرفت: و فشار ناچار بود که خود را با این سرعت که در آنگاه فساد بوجود آمده بود هماهنگ کند.

بارزترین نمونه فساد پس از افزایش قیمت نفت را میتوانیم در جشن های دو هزار و پانصد ساله سلطنت و کیفیت حیرت انگیز اجرای آن در تخت جمشید به بینیم که بقول یکی از روزنامه های فرانسه بزرگترین نمایش سیرک در تاریخ سیرک جهان در آنجا بمعرض تماشا گذاشته شد. همه ما کم و بیش از ابعاد فساد و فشار در سالهای اخیر که معلول مستقیم افزایش بیش از حد درآمد رژیم استبداد بود آگاهی داریم ولی آنچه در این جا قابل ذکر است، رابطه قدرت است.

قدرت در رژیم استبدادی گذشته بمعنای کامل یک قدرت توتالیتر یا خودکامه بود.

خودکامگی و توتالیتریزم را با استبداد و دیکتاتوری یکسان نگیریم. قدرت توتالیتر یعنی قدرتی که از همه قیود قانونی و عرفی و سنتی آزاد و فارغ است. بعنوان مثال دیکتاتور و مستبد میتواند در برابر کلیسا و مذهب و قدرت ان احساس مسئولیت کند یا در برابر طبقه حاکمه و لویکارشی ناچار به تقسیم قدرت شود، یا نظیر آمریکا و سرمایه داریهای بزرگ غربی نماینده و برگزیده محافل مالی و اقتصادی باشد اما قدرت خود کامه و توتالیتر از همه این قیود فارغ و آزاد است و خود را مسئول هیچ قدرت و هیچ گروه سیاسی و یا مذهبی و یا اقتصادی نمیداند.

قانونگذاری توتالیتریزم قانونگذاری دیکتاتوری فرق کامل دارد، که ما را مجال بحث در جزئیات آن نیست و بطور خلاصه رژیم سابق ایران قدرتی به تمام معنی خودکامه و توتالیتر بود و قانونگذاری خاص خود داشت. در رژیمهای خود کامه قانون فقط برای مشروعیت فساد و فشار یک فرد و یا گروه وابسته به او وضع میشود. مهمترین خصوصیت این نوع حکومت تبلور همه قدرتهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در وجود یک فرد است، و فردی که در مسیر این قدرت قرار میگیرد سرانجام همانطور که دیدیم در نحوه برخورد با مسائل جامعه و تمتع از فساد و استفاده از قدرت، کارش به جنون آشکار میکشد.

در قدرت خودکامه دو خصوصیت فساد و فشار در مسیر حفظ یکدیگر به مسابقه ای سرسام آور میافتند. وقتی ابعاد فساد آن به آن گسترده تر میشود ابعاد فشار نیز باید برای حفظ فساد سرعت حرکت خود را با سرعت حرکت فساد هماهنگ کند، علت وجودی قدرت خودکامه فساد است و فساد در قدرت خودکامه حد یقف و انتها ندارد بنابراین کیفیت فشار نیز باید گسترش یابد تا بتواند همه ابعاد فساد را که سراسر زندگی مادی و معنوی

سهم اندیشه و تفکر در انقلاب

بقیه از صفحه ۱

جامعه را در زیر پوشش خود گرفته است حفظ کند. جامعه ما با چنین خصوصیتی اداره میشود و همانطور که دیدیم این مسابقه سرسام آور بین فساد و فشار چه نتایجی ببار آورد مهمترین و اساسی ترین نتایج آن ایجاد وحدت کامل در تمامی قشرهای جامعه برای مبارزه برضد رژیم بود. شکستی انقلاب ما در نظر جهانیان اینست که چگونه مردمی بدون سازمان سیاسی و تشکل انقلابی دست به چنین انقلابی زدند.

در اینجا باید به خصوصیت شرقی و بومی و سنتی انقلاب ایران توجه کنیم که دیگران با چنین خصوصیتی بیگانه اند. مذاهب شرق به نوعی رجعت و ساینزیم عقیده دارند. استبداد شرق پیوسته در مسیر خودکامگی خود همه خصوصیات انسانی را نابود میکند.

شبح زندان و شکنجه و حضور دانسی خودکامگی در همه ابعاد زندگی انسانها را از خصایص انسانی مقاومت یعنی شجاعت و اراده و اندیشه محروم میکند. به این جهت است که شرقی ها در اغوش استبداد شرقی که خودکامگی مطلق است پیوسته در انتظار ظهور حضرتند، حضرتی که رژیم خودکامه قادر به شکستن شخصیت او نمیشد، وقتی شخصیتی این چنین در حرکات اجتماعی خصوصیات استثنائی خود را ظاهر میکند پیوند عاطفی و احساسی شدیدی بین توده های ستمدیده مردم و او ایجاد میشود، این پیوند در تحریک اجتماعی و حرکت توده ها و عصیان آنها برضد نظام خودکامه اثری سحرآمیز دارد. این پیوند عاطفی توده ها با رهبر روحانی خلاء تشکل و وحدت سازمانی را بخوبی و برای مدت زمانی کم و بیش طولانی پر میکند. وقتی شرایط اجتماعی و اقتصادی انفجار آماده میشود، ظهور یک رهبر برای فشار بر تکمه انفجار ضروری میشود.

استبداد شرقی و آسیائی با هر گونه تجمی مخالفت میکند، زیرا تجمع همیشه منشاء آگاهی و آگاهی مبدأ انقلاب و جنبش است، به این جهت است که جامعه شرقی بشما به دریائی است که سطح آن بظاهر آرام ولی عمق آن پیوسته در تلاطم و جوشش است.

رژیم خودکامه بخاطر خصوصیت ذاتی خود هرگز انفجارهای پیاپی ای را که در عمق این سطح آرام انجام میگردد نمی بیند تا هنگامی که این غلیان از عمق به سطح میرسد. جامعه ما در ۲۵ سال گذشته در چنین وضعی قرار داشت، انچنان که رژیم هرگز نمیتوانست نگاه خود را از سطح به عمق جامعه و تلاطم دانسی آن نفوذ دهد.

انقلاب ما در اصل نتیجه گسترده شدن دائم التزاید فشار و فساد بود اما آنچه که تکمه انفجار را فشار داد و انرژی عظیم در بند شده مردم را رها کرد تقارن کامل پیوند شخصیت رهبری با توده ها بود.

مقایسه زندگی رهبر انقلاب با زندگی شاه، اتاق کوچک گلین او در نجف که در گرمای فوق العاده آن سامان حتی از استفاده از وسایل خنک کننده هم پرهیز میکرد و غذای ساده او با زندگی افسانه آمیز و هزار و یکشب وار پادشاه، مظلومیت رهبری انقلاب در زندان و تبعید و طهارت و تقوی اخلاقی و شجاعت مناعت و اراده خلل ناپذیر او برای مبارزه در مقایسه با خلقیات فاسد شاه و جن و ترس او تا سر حد زبونی و ندانست همه از خصوصیتی است که فرهنگ غربی قادر به تحلیل روانشناسی آن در زمینه انقلاب ما نیست.

وجود این خصوصیات و پیوند عاطفی توده ها را با آن میتوان از محرکهای اساسی انفجار توده ها تلقی کرد.

اثر اجتماعی و اقتصادی انقلاب ما در پهنه بنابرین وجود قدرتهای پراکنده و ضعف دولت پس از فرو ریختن ناگهانی همه اهرمهای قدرت امری طبیعی است زیرا اکنون ما برای انقلاب ایران دارای یک توجیه کلی تنوریک نیستیم انقلابیون هنوز الگویی برای رفتارهای انقلابی در حکومت ندارند و این امر تنها به نسخه برداری از تجربه های دیگران میسر نمی شود بلکه احتیاج به تجربه عملی و درگیری با مسائل خاص اجتماعی و اقتصادی جامعه دارد زیرا انقلاب ما در زمینه آغاز و در هم ریختن رژیم بطور ناگهانی صورت گرفت و برعکس انقلابهای دیگر نظیر چین و کوبا که مرحله مرحله قدرت با تشکل سازمانی تسخیر شد انقلاب ما بطور ناگهانی به ثمر رسید و دولت انقلابی بدون آمادگی قبلی در قالب سازمان اداری بازممانده از رژیم گذشته جا

گرفت؛ بنابراین مشکل اصلی دولت نیز از همین جاست.

انقلاب ما مشکلات فراوان و گوناگونی در پیش دارد ولی اساسی ترین خصیصه این انقلاب از دو عامل اصلی است که در مسیر انقلاب ما با همه مشکلات تأثیری نمی گذارد:

۱ - انقلاب ایران خطوط ارتجاع داخلی را در رابطه با امپریالیزم قطع کرده است. بافت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه ایران در پرتو این انقلاب در آینده دگرگون خواهد شد.

۲ - انقلاب ایران چارچوب رژیم پولی تیک منطقه را در هم شکسته است. جغرافیای سیاسی منطقه در حصار منافع ابر قدرتها محصور بود و این حصار اکنون در هم شکسته است. اکنون امواج انقلاب ایران بر کناره این حصار می کوبد و ضربات آن هر آن شدیدتر می شود.

وظیفه همه ما بنام ایرانی اینست که صرفنظر از هر نوع عقیده و مذهب و مسلک در تشدید این ضربه ها بکوشیم زیرا ایرانی آباد و مستقل و مترقی و پیشگام میتواند طلایه دار تشکل قدرتی مستقر در منطقه بشود؛ قدرتی که با ذخایر ارضی فراوان و نیروی انسانی کافی و موقعیت جغرافیائی ممتاز دارای این استعداد است که در هم شکستن خطوط اسارت اقتصادی و سیاسی توده های ستمدیده جهان عموماً و مردم محروم و ستمکار زده منطقه که اکنون در زیر سلطه رژیمهای خودکامه فاسد بسر می برند نقشی اساسی بر عهده گیرد.

اگر به تاریخ جدائی مذهب از سیاست در اروپا نگاه کنیم می بینیم که محاکم تفتیش عقاید کلیسا و روحانیون مسیحی کار توقف اندیشه و تفکر را به جانی رساند که نخستین عکس العمل انقلابات اجتماعی اروپا جدا کردن نفوذ کلیسا از سیاست بود؛ زیرا روحانیون کلیسا در قرون وسطی با هر گونه تحول فکری و هر گونه گسترش علوم تجربی مخالفت می کردند.

کلیسا مایل نبود قدرت سیاسی و اجتماعی خود را بر توده ها از دست بدهد؛ چرا زیرا احکام دینی در دستگاه کلیسا به مرور تبدیل به احکام سیاسی شده بود؛ پاپها بنام مذهب و انطباق عقاید و افکار مردم با اصول اعتقادی به قدرت رو آوردند و قدرت هنگامی که بدست آنها افتاد برای جلوگیری از پیشرفت علوم و افکار و در نتیجه رو به رو شدن با انتقاد و اعتراض مردم دست به تشکل محاکم تفتیش عقاید زدند؛ بنام مذهب و بنام انحراف از اصول اعتقادی مسیحیت از رشد و پیشرفت علوم عقلی و تجربی و آشنا شدن افکار مردم با قوانین تحول جامعه جلوگیری کردند؛ در همان هنگام جامعه اسلامی با قبول اصل تلمیح و گذشت و بردباری در برابر افکار و عقاید مخالف به سرعت به جامعه ای باز تبدیل شد جغرافیای سیاسی و علمی اسلام در قرون وسطی صحنه پذیرش فرهنگ های مختلف بیگانه شد؛ مدارس اسلامی و محافل علمی آن مرکز بحث و فحص علوم عقلی و نقلی گردید و در سراسر پهنه ممالک اسلامی و خلافت شرقی دانشمندان و علمای بزرگی در تاثیر این برخورد آزادانه افکار و عقاید با بهره وجود نهادند و بزرگترین ریاضی دانان و بزرگترین علمای تاریخ و جغرافیا و نجوم و هیت و هندسه و کلام و حکمت و بلاغت و معانی بیان و صرف و نحو از جهان اسلام برخاست و هنگامی که قرون وسطی اروپا رو به پایان می رفت و غرب با گذر از دوران ظلمانی جهل و خرافه دوره بی خبری و رکود علمی و عقلی را پشت سر گذاشت تازه شرق اسلامی با در دوران قرون وسطی خود گذشت و به آنجائی رفت که امروز از سرزمین های خلافت شرقی چیزی جز یک مشت کشور های عقب مانده با نظامهای فاسد قرون وسطی بر جای نمانده است. چرا؟ برای اینکه نظام مذهبی ما در آنچه دنیای تجربه و عقل و برخورد و عقاید و آرا را بروی خود بست بحث و تحقیق تجربی در نظام هستی و طبیعت جای خود را به صحبت و گفت و گو در فضا های بسته در باره ماهیت و هیولا و حدوث و قدم و عرض و ذات داد؛ غرب در راه تجربه با طبیعت تا جائی پیش رفت که از معنویت

مصاحبه با دکتر مدنی استاندار خوزستان

و فرمانده نیروی دریایی

مصاحبه کننده: سعید کنگر

استعمارگران و ایادی رژیم منفرود گذشته از پیشرفت انقلاب ما به وحشت افتاده اند و این

بارخوزستان یعنی قلب سیاست و اقتصاد کشور را هدف گرفته اند

آقایان مشغول مذاکره بودند. در آن ساعت برای استراحت رفتم که ساعت چهار نیم بامداد اطلاع دادند یک اتوموبیل در خرمشهر به حرکت در آمده و به پاسداران انقلاب تیراندازی کرده است. اگر چه زد و خورد سابقه داشت ولی فاجعه اصلی از اینجا شروع شد. تصور می کنم مستهاتی در کار بود که از مذاکرات طولانی ما با آقایان وحشت کردند و ترسیدند قضایا با مذاکره حل شود و نتوانند از اختلافاتی که دامن زده اند نتیجه بگیرند. در نتیجه وارد عمل شدند. تا نتیجه مذاکرات ما را با خونریزی از بین ببرند.

س - قضیه نقابداران تیرانداز که شایع است در شهر هستند چیست؟

ج - می بینید که شایعه پراکنان همان تاکتیک هائی را دارند که رژیم منفرود پهلوی در معکوس جلوه دادن مبارزات انقلابی مردم و عمل مبارزان داشت. مثلاً روزی که بازار تبریز یا یزد یا شیراز یکباره بسته می شد و مردم خیابان می ریختند. پس از سرکوبی مردم وسیله تیروهای دیکتاتوری، به روزنامه هاشان که هنوز بقایای آنان متاسفانه با همان تاکتیکها مشغول کارند دستور می دادند که در فلان شهرستان چند نفر نقابدار مسلح به خیابان ریختند و مزاحم کسبه شدند و آنان را به وسیله مأموران سرکوب کردیم.

امروز هم باز همان قضیه است. می دانید که در نواحی گرمسیر و مخصوصاً خوزستان مردم سربندهای پارچه ای دارند که نوع عربی آن هم به صورت چیه و عقاله بسیار مرسوم و فرولان است و در روزهای گرم سربندها را به سر و صورت و گردن می پیچند. حالا هم شایعه پراکنان که حتی به لباس خوزستانی افتخار نیستند با دیدن این سربندها بر سر پاسداران، یا کمک از تاکتیکهای ارباب فرارشان شاه سابق که خود تحت تاثیر اصطلاحات فیلمهای وسترن آمریکائی بوده شایع می کنند که نقابداران مسلح به مردم آتش گشوده ولی خوشبختانه ما هم مردم خوزستان به این حيله های دشمن آشنا هستیم.

س - آیا واقعا جرح حش در خوزستان بوده است؟

ج - والله من شخصاً او را ندیده ام ولی به گفته های گستاخیکه به من گزارش می دهند اعتقاد کافی دارم. گزارش دادند که او در شادگان خرمشهر و اهواز آمده و دیدار کوتاهی داشته است.

س - فکر می کنید نهضت ازادبختن فلسطین هم در این تحریکات دست داشته است.

ج - نه - مستقیماً نه - می دانید که جناحهای مختلفی در نهضت ازادبختن فلسطین هست از میانروها تا چپهای وابسته. رز حش هم وهر یکی از این جناحهاست که با این هسته که خود را خلق عرب خوزستان نام نهاده اند ارتباط دارد. می دانید که پسر شیخ زعل هم که در کویت است به هوای ساختن یک شیخ نشین دیگر و تجزیه خوزستان چند سال پیش چیزی به نام جبهه تحریر خوزستان (هنام با جبهه تحریر فلسطین) درست کرد و موفق شد حالا هم دنبال همین نقشه است. از طرف دیگر یک شیخ هاشم هم در این راه است ولی اینها اقلیتی هستند که با هوطنان عرب ساکن خوزستان که اکثریت طرفداران انقلاب اسلامی هستند نتوانسته اند ارتباطی و کششی برقرار کنند.

س - پس از کویت هم؟

ج - بله، این قضایا متأسفانه ریشه هائی در کویت و عراق هم دارد.

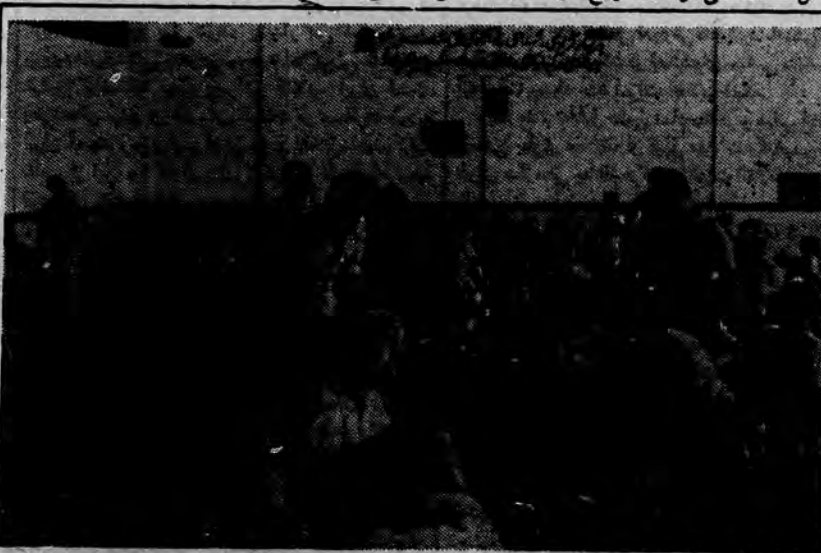
س - گفته می شود که جمعی علیه شما تظاهرات کرده اند.

ج - این طبیعی است کسی که در جاتی کاری می کند نمی تواند بی مخالف و بی مخالفت باشد. انتقالات و حتی مخالفتها برای اصلاح روشها و ایجاد تحرک بیشتر لازم است. ضرورتاً و لازمی یعنی همین. ولی می خوام به کسانی که به روشهای من یا حتی بعضی روشهای دولت انقلاب انتقاد دارند. دوستدارم بگویم که حساب خود را از حساب دشمنانی که از ایلی رژیم منفرود گذشته یا ایلی بیگانه استعمارگر است جدا کنند تا از جبهه انتقالی آنان استنباط فراری و استعمار در حال گریز برای بازگشت خود استفاده نکنند.

س - نقش چریکهای فدائی خلق در خوزستان چیست؟

ج - من سندی از ارتباط آنان با عوامل استعمار بیگانه ندیده ام ولی روی سخن ما همه این سؤالات است که بداند عوامل بیگانه و دستکاهای جاسوسی جهانی که مخالف پیشرفت انقلاب ایرانند با مهارت و تجربه فرلوتی که دارند اختلافات و جنگهای داخلی را به وسیله گروههای داخلی دامن می زنند تا مردم را خسته کنند و ضربه را فرود آورند باید هوشیار بود.

بیشتر با ختم جلسه شما با ایت الله شبیر خاقتانی فاصله نداشته است. ج - ما شب چهارشنبه تا ساعت سه و نیم بامداد با



هکسی از تحسن خلق عرب که در مسجد متحصن شده اند. در روزنامه ها خواندیم هزاران نفر.

نگاهی گذرا به خرمشهر

بخ - زارع

ساعت ۶ بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۵ خرداد از هرابیما پیاده شدم. گرمای چهل و یک درجه آبادان را چشمم و به یک تاکسی برای رسیدن به شهر وارد شدم. اولین سؤالم از راننده بود که چه خبر است؟ مختصر جوابی که داد نا آرامی در خرمشهر بود که آرام شده است. خاضی از مسافرتی ترکیه و عصبانی که اینها هیچ حرف حساسی نداشتند. آفتاب تابیده و حرارت موقی از لاته در آمده اند. بدترین ضربه را کسانی به انقلاب می زنند که با اسلحه به فکر تجزیه کشور افتاده اند. گفتگو نیمه تمام ماند که پیاده شدم و به هتل کاروانسرا رفتم. پرسیدم چرا انتقار خلوت است؟ گفتند اخراج خارجیها تنهها را خلوت کرده است. نا آرامی خوزستان هم کسب و کار را از سکه می اندازد.

تلفن کردم به مهدی فرهنگ مسئول کمیته ضربت شرکت ملی نفت و رفتم دیدمش. فکر فرهنگ سخت مشغول قاپچاق اسلحه فراوان در منطقه بود که در کس بین هزار و پانصد تا هشت هزار تومان می تواند بدهد و اسلحه مورد علاقه اش را بخرد. اگر جلوی خرید اسلحه گرفته شود و اسلحههای موجود جمع شود خطر کمتر خواهد شد و خوزستان این قلب سیاسی و اقتصادی کشور حرکت سالم خود را ادامه خواهد داد.

چهارشنبه رفتم به خرمشهر. در خیابانها لاستیکها و ماشینهای سوخته به چشم می خورد. و مایه تاثیر است. یک نمایندگی و نمایشگاه و فروشگاه ماشین را یکسره سوخته می بینم.

سوار یک قایق موتوری می شوم که صاحب و راننده اش مثل سایر قایقهای عرب است. جوانی است ۱۷ یا ۱۸ ساله. منتظر تکمیل طرفیت قایق است. قایقش به ضرب گلوله ای سوراخ شده. به ساختمان بزرگی می رسیم که سوخته و ویران است و جلوی آن نوشته اند نزدیک نشینده هنوز. مواد منفجره در ساختمان است. این ساختمانی است که در اولین روز آفتابش به وسیله کسانی که خود را سازمان خلق عرب می نامیدند آتش زده شده و چند نفر را هم به گروگان برده اند. جوانی به نام محمود این را برام توضیح می دهد و می گوید: چند نفری هم مجروح شدند و سه نفر سواراکی هم که در این ساختمان زندانی بودند فرار کردند. اینجا ستاد کانون فرهنگی خرمشهر بود.

سراغ ستاد خلق عرب را می گیرم. ساختمانی است نزدیک شهرانی که اکنون به دست پاسداران انقلاب افتاده و از آن مراقبت می کنند. چند جوان پشت سنگری از کیسه های شن با تفنگهایشان نشسته اند. نزدیک می روم و سلام می کنم. جمع می شوند. ترک و کرده و عرب و فارس از یک نگاه گذرا نمی توان به سالها خرمشهر کرد.

خرنگار ما در روزهای پانزدهم و شانزدهم خرداد ماه موفق شد ساعت نیمسار دکتر مدنی استاندار خوزستان را ملاقات کند و گفت و گویی با ایشان درباره مسائل داغ خوزستان داشته باشد.

دکتر مدنی در جواب خرننگار ما که پرسید مساله خرمشهر را چگونه می بینید گفت:

مساله خرمشهر تنها نیست. مساله بسیاری از شهرهای خوزستان است و نه خوزستان که در سایر استانها نیز کم و بیش بحران به چشم می خورد. نظام فاسد و دیکتاتوری شاه مردم ایران را در فقر و پریشانی نگهداشته است. مردم از ابتدائی ترین وسایل زندگی اجتماعی در شهرها و دهات محرومند. در سراسر خوزستان گذشته از چند شهر مردم چه عرب و چه فارس در فقر و محرومیت وحشتناکی بسر می برند این نتیجه فساد و تباهی های حکومت و رژیم سابق است. اما جمعی که از دستگاه سابق منتفع می شدند و خواستار بازگشت همان رژیم طاغوتی سابقند. از این فقر مردم سوء استفاده می کنند و آنان را تحریک می کنند و می خواهند بحران به وجود آورند و به اختلافاتی که به وجود می آورند صورت اختلاف میان عرب و عجم بدهند. در حالیکه اکثریت همین مردم فقر زده چه فارس و چه عرب مردمی معتقد به انقلاب اسلامی و ایرانی هستند. من غالب نقاط خوزستان را چه سابق و چه در زمان پس از انقلاب دیده ام. برادران و خواهران ما از داشتن آب و برق و بهداشت و فرهنگ و حتی حمام و کشتارگاه محرومند اما این را به خوبی درک می کنند که گناه عقب ماندگی آنان گناه رژیم فاسد شاه سابق است و انقلاب در صورت ایجاد نظم و آرامش طبق اصول و برنامه عدالت اجتماعی با همکاری و همکاری خودشان کمبودهای آنان را تامین خواهد کرد.

اما اینها که لشوب در این منطقه حساس به راه انداخته اند عده ای قلیل و ضد انقلابند که غالب آنان با ایلی رژیم سابق و مأموران بیگانه در تماس هستند. اما حتی کسانی هم که اغفال شده اند و دنبال شعارهای آشوبگرانه آنان رفته اند همه مقصر نیستند. باید ابتدا نظم را برقرار کرد و مصرعین را مفسدین را گرفت تا دیگران نیز به هوش آیند و متوجه شوند که آلت دست بوده اند.

ولی این خرمشهر تنها نیست. در چند نقطه دیگر نیز آشوبهائی شد که به یاری خود مردم سر و صدا خوابید. در خرمشهر خصوصاً جای پای بیگانه و مزدور بیگانه و ایلی رژیم سابق کاملاً پیدا بود. این ایلی از دو سو کمک می شوند. برون مرزی و درون مرزی. برون مرزها سیاستهای بیگانه ای هستند که انقلاب اسلامی ایران متعلق آنان را متزلزل کرده است با آنان که پس از انقلاب از کشور گریخته اند و به دامن بیگانه پناه برده اند. اما درون مرزها همان استعمارگران و سوء استفاده چپان سابقند که به هر قیمت در مقابل انقلاب ایستاده اند و به هر قیمت انقلاب باید صدای آنان را خاموش کند.

در هر حال تاکید می کنم قضیه به این صورت نیست که برادران عرب خوزستان در یک صف باشند و برادران فارس اهل خوزستان در صف مقابل. باید تمام مردم انقلابی بدانند که برادران عرب خوزستانی ما پشتیبان انقلاب اسلامی و وحدت و یکپارچه گی کشورند.

س - این ضد انقلابیون بیشتر ساکنان محلی هستند یا از شهرهای دیگر آمده اند.

ج - از جاهای دیگر هم آمده اند. تجب آور اینست که چون علنا نمی توانند شعارهای ضد انقلابی و طرفداری از رژیم سابق یا بیگانه بدهند. بیشتر خود را پشت شعار گروههای مارکسیستی پنهان می کنند. گاهی این گروهها نیز چون تازه به سازماندهی پراخته اند به اشتباه ممکن است بیفتند و تصور کنند که جلایه شعارهای خرمشهر است که چنین طرفداران ناشناخته ای پیدا کرده است. اما به زودی از طرفی سیر طبیعی حراقت و از طرف دیگر کشیده شدن ایشان به مواضع اصلی خرمشهر که فقط قصد اختلال و شکست در انقلاب مردم محروم ایران را دارد به همگان نشان خواهد داد که چه گروه هائی تحت چه شعارهائی در برابر مردم و شعارها و خواسته های مردم ایستاده اند. روز رسوا شدن ایشان نزدیک است.

س - آیا تا کنون از این دسته ها کسانی را دستگیر کرده اند؟ آیا می دانید دستگیر شدگان چند نفرند؟ گفته می شود عده ای را تیرباران کرده اند چه کسانی بوده اند؟

ج - اولاً من در کار قضا دخالتی نمی کنم. کسانی که دستگیر می شوند یکسره به مقامات قضائی یا دادگاههای انقلاب اسلامی تحویل می شوند که باید چند و چون قضیه را از آنان سؤال کنید اما درباره کسانی که تیرباران شده اند خبر دارم که چند نفری از عوامل رژیم سابق که

انقلاب سرخ اسلامی ایران

دکتر ابوالفضل صادقپور

انقلاب ایران که یکی از خونین ترین انقلابات دنیا به حساب می آید با ابعاد گسترده ای که به خود خواهد گرفت، می تواند در رده انقلاب کبیر فرانسه محسوب شود این انقلاب نوع جدیدی از انقلاب را به جهانیان آموخت که تاکنون تجربه نشده بود در این انقلاب شاید مستبدترین و بیرحمترین رژیم جهان با قوی ترین ارتش به نسبت خود در برابر قدرت ایمان مردم آنچنان به زانو درآمد که تاریخ به خود ندیده بود به منظور اینکه یک بررسی نسبتاً جامعی از این رویداد عظیم اجتماعی بشود بحث به ترتیب زیر ارائه می گردد:

- ۱- علت انقلاب
- ۲- اهمیت انقلاب
- ۳- بزرگداشت انقلاب
- ۴- مبانی افکار و اعمال ضد انقلابی

هیچ پدیده اجتماعی نمی تواند ناشی از یک عامل یا علت باشد و مجموعاً گروهی از عوامل به طور آشکار باعث بروز پدیده های اجتماعی می شوند. انقلاب ایران نیز از این اصل کلی مستثنی نیست. مهمترین عوامل انقلاب ایران تمرکز قدرت و تاکید بیش از حد به پذیرش آن و آثار تمرکز قدرت که فساد است بوده است و آگاهی عمومی و پیشرفت وسایل ارتباطات جمعی اساس ظلم و تبعیض ناشی از تمرکز قدرت را به بهترین وجهی عیان نمود...
...عقب ترمز فرعی این است که در تمام سطوح روابط جانشین سوابط می شود و مشاغل و مناصب ارزش و احترام خود را از دست می دهند و در اندک مدت محیط بسیار مناسبی برای چاهلوسی و تملق و حتی یلوه سرایی به وجود می آید و با از بین رفتن قبح عمل، شرافت و حرمت انسانی زیر پا گذاشته می شود و در عین حال سنگ بنای تبعیض و فساد گذاشته میشود و با گذشت زمان واقعیات امر بر رهبر مستبد می گردد و تصمیمات جنبه تصویری و پراوهوسی پیدا می کند و زمینه برای ظهور دلقک ها آماده می شود... هر قدر این دوره ادامه یابد به طور تصاعدی رفتار خود دیکتاتور از سوابط انسانی و اجتماعی خارج می شود و حتی ممکن است به جنون بکشد.

زیرا مشکلات اجتماعی به حدی است که اگر رهبری جنبه فرعی به کار خود بدهد ناچار است که به همه امور و جزئیات مسایل رسیدگی کند و در نتیجه زیر فشار بار، کمربند خنمی می شود و اگر سرسری کار کند تشتت نظام او را از پا می آورد.
... اصل کلی در هر نوع دیکتاتوری این است که هر قدر سیستم حاکم آسیب پذیرتر باشد، خشن تر و بیرحم تر می گردد.

... رابطه فساد و تبعیض با تمرکز قدرت از این لحاظ است که در تمرکز قدرت نظام از کنترل خارج می شود و تعادل بین نیروهای مختلف به هم می خورد. در این حالت است که انتقاد اثر خود را از دست می دهد و در نتیجه کوشش برای بهتر کردن فعالیت نخواهد بود. به عبارت دیگر نه تشویق در کار خواهد بود و نه توبیخ و در حد افراط آن حتی برای فساد هم مجازات وجود ندارد و چون در اعمال فاسد نفی است که در اعمال صحیح نیست، از این لحاظ طبعاً نظام آماده اشاعه فساد می شود و استعدادها به سری اعمال نادرست پرورش می یابند. در این مرحله فساد همه جاگیر و قانون جنگل ظاهر می شود. ارزشهای انسانی تضعیف می شود و نظام حاکم قدرت مبارزه با آن را از دست می دهد و سرنوشتی جز زوال ندارد.

اهمیت انقلاب

انقلاب ایران با ابعاد گسترده ای که در آینده نه چندان دور از خود ظاهر خواهد ساخت تحولاتی بنیادی و عظیم در روابط اجتماعی افراد بسیاری از جوامع با نظام رهبری خود و همچنین ارتباط کشورها با یکدیگر ایجاد خواهد کرد. این انقلاب در دنیای فساد، بیرحمی و بی دینی آن چنان درخشید که فقط می توان آن را به صورت مجرّه ای از اسلام به حساب آورد بدین معنی است که حرکت انقلابی فقط وقفه ناشی از تفکرات و عقاید مذهبی نبود ولی آنچه که با قاطعیت عامل پیروزی گردید مذهب و رهبری روحانی بود.

بهر حال، اهمیت این انقلاب علاوه بر نتایج داخلی که بهم ریختن نظام فاسد و کوشش بر پیاداشتن نظامی صالح و امین است، دارای آثار متعددی در خارج می باشد. این انقلاب شدیدترین ضربه را به اساس تفکرات ماتریالیستی وارد می آورد و باعث تحولات بسیاری در فلسفه سیاسی جدید می شود. تفکرات حاصل از برخورد

ایده نولوژی اسلامی با ایده نور لوزهای ماتریالیستی حرکتی جدیدی را در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی باعث می شود. در جنب این تفکرات، حرکتی انقلابی جدید با روحیه ای قوی خصوصاً در کشورهای اسلامی که با بیعدالتی اداره می شوند، پدیدار می شود. انتشار روحیه های انقلابی و تقویت روحیه انقلابیونی که تاکنون توفیق نیافته اند مهمترین اثر انقلاب ایران است. (خوشحالی بیش از حد پاسر عرفات در مسافرت خود به ایران که چند روزی پس از پیروزی انقلاب انجام گرفت ناشی از این بود که او برای انقلابیون فلسطین روحیه قوی تازه یافته است)

آثار اقتصادی این انقلاب به خصوص در مورد افزایش قیمت نفت و لغو خریدهای نظامی در سطح جهانی آن چنان وسیع است که خود دارای آثار بیشمار اجتماعی نیز می باشد. مثلاً لغو خرید میلیاردها دلار وسایل نظامی از انگلستان به مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور انگلستان به مراتب اضافه می کند.

نحوه مبارزات انقلابیون در ایران، روشهای تازه ای را برای انقلاب در کشورهایی که نیروهای امنیتی و انتظامی دولت همه جاگیر می باشند و یا بیرحمی هر حرکت جزئی انقلابی را سرکوب می کنند ارائه می دهد. این انقلاب بزرگترین زنگ خطر را برای کشورهای کمونیستی و همچنین حکومتهای دیکتاتوری امریکای لاتین و دیگر نقاط دنیا به صدا در خواهد آورد در این کشورها مردم درک خواهند کرد که ادامه مبارزات همه جانبه، پیروزی به بار خواهد آورد. مردم این کشورها با بررسی انقلاب ایران متوجه می شوند که مبارزات پیگیر و فرسایشی آرام و به موقع خشن می تواند روحیه قوای انتظامی را تضعیف و بین آنها تفرقه بیندازد و آنها را آنچنان آسیب پذیر کند که در برابر یک گروه جنگی محدود تسلیم شوند.

بزرگداشت انقلاب منظور از بزرگداشت انقلاب این است که:
الف - به بازماندگان تسلی دهیم
ب - نتایج یا دستاوردهای انقلاب را در فرهنگ خود تثبیت کنیم.

ج - از میوه انقلاب ایران تمام طبقات مستعبد و محروم جهان بهره مند شوند.
در جریان این انقلاب خانواده های بیشماری یک یا چند نفر از عزیزان خود را از دست دادند و یا علیل و ناقص یافتند. آثار غم این انقلاب حد اقل تا نیم قرن به جا خواهد بود. این نسل جامعه و نسلی آینده مدیون فداکارهای این انقلاب است که در تاریخ یک ملت به ندرت اتفاق می افتد ولی با بزرگداشت روان فدا شدگان و لرح گذاری به بازماندگان و معلولین میتوان قدرت انقلابی یک جامعه را برای همیشه حفظ کرد.

اما مهم در این انقلاب این است که به چه ترتیبی، آرزوهای انقلاب را به فرهنگ خود تسری دهیم. به عبارت دیگر رفتار اجتماعی نسلی آینده آنچنان بر موازین عدالت باشد که دیگر نیازی به انقلاب نباشد. بدین منظور مباحثی فیلسوفی مستند و فلسفی از انقلاب تهیه کرد و مرتباً به نمایش گذاشت. منظور از فلسفی این است که در این فیلسوفی ظاهر ظلم، فساد، تبعیض، شکنجه، ظفان و چاهل اموال ملی که علت اصلی انقلاب است در ابتدا نشان داده شود و بعد نحوه شروع حرکتی انقلابی و در آخر کار پیروزی و انتقام ارائه شود.

فرسی به نام انقلاب که در باره جنبشهای انقلابی در ایران و کشورهای مختلف جهان باشد برای سطوح مختلف تحصیلی آماده شود. در کنار درس انقلاب بایستی اساس ارتباطات همگرا تیک و وظایف ملت و دولت در برقراری و حفظ یک نظام انسانی آموزش داده شود. بایستی به نسل جوان آموخت که شرکت در فعالیتهای سیاسی مانند حزب و انتخابات وسیله حفظ ثمرات انقلاب است.

تجزیه و تحلیل علمی تمام مظاهر و مبانی انقلاب را بایستی بطرق مختلف از قبیل مقالات، کتاب و فیلم از طریق سازمانی به نام مرکز مطالعات انقلاب به زبانهای خارجی در سطح جهان منتشر کرد تا شاید طبقات مستکشی به حرکت در آیند و نظامهای حاکم نیز متوجه شوند که در برابر قدرت ایمان و جنبش مردم بسیار ضعیف و ذلیل میباشند و لجاجت را کنار گذارند چون هر قدر مقاومت کنند خرد طبقه حاکم بهای سنگین تری خواهد پرداخت.

این مرکز بایستی مطالب امپریالیسم و سرمایه داری را به جهان معرفی کند. از آنجا که انقلاب قبل از اینکه به صورت خون و مرگ جلوه کند بایستی افکار، تحولات انقلابی بپایند. نشر افکار انقلابی ایران در سطح بین المللی جوامع مختلف را آماده مبارزه با ظلمت امپریالیسم و سرمایه داری میکند. نشر این افکار باعث میشود که در روشهای حکومتی کشورهای بلوک شرق نیز تعدیلی به نفع آزادی مردم انجام گیرد در صحنه بین المللی که قانون جنگل حاکم است نمیتوان گمنام و ضعیف زندگی کرد.

ح- مبانی افکار و اعمال ضد انقلابی
مهمترین مساله در جریان هر انقلابی جلوگیری از شکست انقلاب است.

وقتی انقلابی پیروز شد کاملاً واضح است که قدرت انقلابیون بیشتر از نظام حاکم بوده است و گرنه انقلاب تحت عنوان بلوا و یا شورش سر کوب میشد.

بنا بر این حرکت ضد انقلابی را باید در بین خود انقلابیون و یا گروه به طرف که متمایل به نظام حاکم قبیلی میشود جستجو کرد. این گروه به طرف نیز حرکتی ضد انقلاب نمیکند مگر اینکه متوجه شود که انقلابیون علیه آنان بسیج شده اند. هدف این است که بعضی از رفتارها و حرکات انقلابیون زمینه را برای بروز ضد انقلابی فراهم میکند. هر قدر که انقلابیون مشروعیت و جود خود را بیشتر تقویت کنند، زمینه جهت اظهار وجود مخالفین محدود تر میشود. بنا بر این برای جلوگیری از اعمال ضد انقلابی میبایستی انجام حرکت انقلابی بر مبنای مشروعیت نظام رهبری انقلابیون در ارتباط با انعطاف پذیری سیستم جامعه باشد. به عبارت دیگر هر قدر که پیران به رهبران انقلابی خود معتقد تر باشند قدرت مانور رهبران در انجام تحول بیشتر میشود.

یکی از نکات مهمی که در پیروزی انقلابیون مؤثر است تشخیص این نکته است که بشر اصراً علانند است که روابط اجتماعی خود را بر اساس سنت گذشته که جزئی از تمدن او است حفظ کند. در این صورت رهبران انقلاب میبایستی اصل را بر ثبات قرار دهند مگر آنکه تغییر در موارد خاصی الزامی شده و انقلاب از آن ناشی شده است. مثلاً بایستی تشخیص داد که مردم ایران به چه علت بها خاستند. مردم ایران به این علت است که نظام سلطنت در دنیای امروز یک غلط تاریخی بود قیام نکردند بلکه این قیام به این علت بود که شاه را مظهر ستم و چاهل و بزرگترین مانع آزادی میدانستند بنا بر این خواسته مردم عدل و آزادی است و هر حرکت انقلابی که بر خوروی

ظاهری یا باطنی با این خواسته مردم ایجاد کند عملی ضد انقلابی خواهد بود. حال این عدل و آزادی در قالب مفاهیم حکومت اسلامی باشد یا مفاهیم غربی، از نظر جامعه فرقی نمیکند. مهم این است که مردم انقلابی مفاهیم و الگوهای رفتاری اسلامی یا غربی را تشخیص دهند و خواسته های خود را با آن موازنه بنسجند. اصولاً در جریان این انقلاب اکثریت مردم به خوبی میدانستند که چه رژیم را می خواهند ولی دقیقاً میدانستند چه حکومتی را طالب هستند. ممکن است یک اکثریت عظیمی از افراد جامعه فقط به صرف اعتقاد به رهبر انقلاب آنچه توصیه کند در ابتدا بپذیرند ولی چنانچه بتوان کاری کرد که مردم بر اساس اندیشه و تفکر خود نوع حکومت خود را تعیین کنند، دولت آینده مشکل ضد انقلاب را نخواهد داشت.

فصنا لازم است به این نکته نیز توجه شود که در بسیاری موارد عنوان حکومت چیزی است و عمل حکومت چیز دیگر. کما اینکه رژیم سابق ایران دارای عنوان حکومت مشروطه بوده و حال آنکه مستبد ترین نوع حکومت بود.

به طور خلاصه منظور این است که در پی پیروی سنگ اول بنای نظام عدل و آزادی اصول عدل و آزادی رعایت شود. باید راه صحیح و مفید را به مردم آموخت و سپس از آنان خواست که خود تصمیم بگیرند و از هر نوع تکلیف به مردم خود داری کرد.

حرکت انقلابی جامعه ایران در تاریخ، ظالمانه ترین و مستبدترین محیط شروع شد. این بدان معنی است که فساد و ظلم بیشترین طبقات اجتماعی را فرا گرفته بود. به عبارت دیگر اکثریت مردم به هم ظلم و ستم میکردند و به همین علت بود که حرکت انقلابی از قشر روحانی و طبقه خلی جوان جامعه که کم آوره ترین طبقات بودند شروع شد ولی نبایستی غافل بود که ریشه های ظلم و فساد هنوز از بین نرفته است و مدافین بسیار دارد. اصلاح سازمانهای (بوروکراسیها) بخش عمومی و خصوصی اعم از اداری، تجاری و صنعتی کار ساده ای نیست. تغییر رفتار و کردار بسیاری از مردم کوچک و بزرگ از دلای واسطه بودن به کار و سازندگی آسان نیست. کوچکترین اشتباه در حل مشکلات مربوط به آنها خطر ناکترین زمینه برای رشد نظمه های سرطانی ضد انقلاب را آماده میسازد.

نویسنده به عنوان فردی که مطالعاتی در زمینه دانش اداری دارد میداند که میتوان پنجاه در صد سازمانهای اداری را در بخش امور دولتی حذف کرد و در جریان امور مشکلی پیش نیاید و بیست و پنج در صد دیگر را نیز در مدت زمانی نسبتاً کوتاه حذف کرد و کار مردم سریعتر و بهتر انجام گیرد. یا اینکه بگوییم تمام بانکها ملی و به صورت یک بانک دولتی در آید و با کار خاتمیات مرتبازی که بر اساس چهارل بنا نهاده شده اند ملی شود و از این قبیل، شکی نیست که در آینده، بسیاری از روابط اجتماعی بسیاری از روابط اجتماعی و اقتصادی به طور بنیادی بایستی تغییر کند. زیرا علت اصلی انقلاب همین روابط ظالمانه بوده است ولی یک چنین پیشنهاداتی در حالی حاضر شدید ترین ضربه را به دولت انقلابی وارد میسازد زیرا دولت انقلابی نو پا ضعیف ترین نوع دولت است و هر نوع حرکتی میبایست با توجه به توان دولت باشد.

اساس کار وقتی مبتنی بر عدل و آزادی باشد بسیاری از مشکلات که فرج بر استبداد و ظفان بوده است خود به خود از بین میرود. به عنوان نمونه یکی از اثرات طبیعی استبداد و ظفان پاتین بودن کیفیت کتابهای آموزشی در تمام سطوح است. وقتی استبداد و ظفان از بین رفته بدون دستور العمل و فشار کیفیت کتابها بهبود مییابد و با لفظ آرج گذاردن به کار دانشندان پیشرفت در این باره به طور تصاعدی حاصل میشود.
اگر این حکومت موقت انقلابی بتواند ضمن پاکسازی محیط بر اوضاع مسلط شود و در یک فضای آرام انتخابات انجام دهد و تصمیمات مهم ملی را دولت آینده که ممکن است همین دولت باشد با صلاحیت مجلس انجام دهد انقلاب بیشترین بهره خود را میدهد. نمیبایستی توقع داشت که ساختمان عظیمی که در ۲۵۰۰ سال در فرهنگ اجتماعی ما ریشه کرده بود و اکنون فرو رفته و اندک زمانی که کمتر از یکسال باشد به شکل دلغراه تجدید بنا کرد.

ملی کردن بانکها، یک عمل انقلابی

یکی از نشانه های اقتصاد ناسالم مصرفی در رژیم گذشته، تعدد بانکهای مختلف بانگونی تخصصی، مختلط و غیره بود. بانکها نه به شیوه های بانکداری جهان آشنا بودند و نه خود را به آن شیوه ها آشنا می کردند. نه گری از کار کسی می گشودند نه سرمایه های حاصل از پس اندازهای مختلف را در راه سرمایه گذاریهای برنامه ای و عمرانی به کار می انداختند. کار اصلی بانکهای ایرانی صرفاً، ریلخواری و رواج سفته بازی بود و کار بانکهای مختلط، کنترل اقتصاد پولی در کشور و ایجاد نقب ها و کانالهای مختلف برای خروج ارز و سرمایه های ایران.
ملی کردن بانکها بدون شک یکی از مهمترین کارهای انقلابی دولت بزرگان است. امینواریم مدیریتهای جدید در امر اداره و اذعام بانکها و رفاه کارمندان و کارگران و عرضه خدمات پیشرو بهتر به مشتریان و مردم بتواند عامل مؤثری باشد. چون در حال حاضر مشتریان روزمره متأسفانه سالهاست که از نوع عرضه خدمات در بانک ملی رضایتی چندانی ندارند.

مسلسله کجاست!
کدام روح سرخ
در نگاه من

کدام خون پاک
در رگان من؟
کدام یاد دوست

کدام آیه ی شهادت و قیام؟
تفنگ ام یک مرا بیاورید!

مسلسلم کجاست؟
آه...

دوست داشتن بهانه ایست!
و رنگهای تیره ی تعلق و خیال
روحهای عاصی زمانه را...

تفنگ ام یک مرا بیاورید!

آشیای ی عقاب

حلول کرده است!

با یاد شهدای پانزدهم خرداد ماه ۱۳۴۲ و برای امام خمینی

پانزدهم

برای زندگی به شهر امد
تفنگ ام یک مرا بیاورید!
دشمن از همیشه

بیشتر به ما،
نزدیک گشته است. (۵)

مسلسلم کجاست؟
تفنگ ام یک مرا بیاورید!
تهران - ۱۵ خرداد ۱۳۵۶
طه حجازی (ح. آرزو)

- (۱) الم نجهل الارض مهادا والجهال لوتادا وقرآن مجید
- (۲) خط الموت علی ولد آدم مطح القاداة علی جید الفتاة امام حسین
- (۳) والذین اتخوفوا سجدا ضرارا و کفرا و تفریقا بین المؤمنین «سوره توبه»
- (۴) والفرصة تمر مرالسحاب فانتهزوا فرص الخیر امام علی
- (۵) یا ایها الذین امنوا اتقوا الذین یلونکم من الکفار «سوره توبه»

به بستر ایازها

و مسجد ضرارها (۳)
و عشق و زندگی

میان مردگان

چرا صدا زدیدی؟
تفنگ ام یک مرا بیاورید!
ضرورتی ست در چنین مجالها

شتاب را. (۴)

من از هجوم و حمله و یورش
من از بتون و آهن و سیاهچال
و از خشونت و شکنجه و فشار

اوج کوههاست

کوهها..

- آیه های استقامت زمین و دشت - (۱)
دشتها..

- صحنه های جاودانه ی نبردهاست -
ونبردها..

- سوره های مرگ -
و مرگ..

زبور و شکوه گردن شهیدهاست - (۲)
مسلسلم کجاست؟

بندو چنبریست
مرا به دوست داشتن
مرا به کوجه های مبهم خیال
مرا به باغهای تربیت

آنچه در آبدان گذشت

متاسفانه این هفته به علت تراکم مطالبی که نمی شد کنار گذاشت دنباله یادداشتهای آبدان چاپ نشد. امید که بتوانیم هفته آینده دنباله این یادداشتها را تمام کنیم. با عرض معذرت

جنبش

با نظر شورای نویسندگان

سر دبیر: اسلام کاظمیه

صفحه آرایی از: حبیب مفتون

تثانی: غرب تهران - خیابان فرصت شیرازی - تقاطع با اسکندری

شمالی - شماره ۱۵۵ - تلفن ۹۲۳۳۱۸

نمایندگان جنبش در شهرستانها

در صورتیکه روزنامه شما به موقع نرسید خواهشمندیم فوراً با تلفن به ما اطلاع دهید.

اگهی تشکیلاتی

جلسه بحث و بررسی پیشنهادات مهندسين و کارشناسان مسکن و کشاورزی و جامعه شناسان سه شنبه ساعت ۵ بعد از ظهر در محل ساختمان شماره ۱ جنبش خیابان فرصت شیرازی تقاطع با اسکندری شمالی شماره ۱۵۵ تشکیل می شود. دوستان و علاقمندان صاحب نظر سر ساعت در جلسه حاضر شوند.

روز شنبه ۲۶ خرداد ماه ساعت ۵ بعد از ظهر جلسه سازمان زنان جنبش در محل ساختمان شماره یک جنبش تشکیل می شود. دعوت شدگان و علاقمندان سر ساعت در جلسه حاضر شوند.

جلسه بحث و انتقاد

جنبش

چهارشنبه ها

از ۶ تا ۸ بعد از ظهر تشکیل می شود

محل ساختمان شماره ۱ و دفتر جنبش

بقیه از صفحه ۱

مصاحبه مدیرعامل نفت

نیار فوری به طبیعت
در مورد بهداشت و بهداشتی که گفته میشد از بهترین سیستمها برخوردار است طبیب و پرستار زن به خوزستان نمی رود ما مجبوریم از کشورهای مثل فیلیپین و هندوستان و پاکستان استخدام کنیم از نظر حقوق و وسائل رفاهی ما مشابه ای نداریم و از شما لرباب مطبوعات کمک می خواهم که خانهای طبیب و پرستار را تشویق به رفتن به جنوب نمایند نیاز ما به آنها فوری است.

در بیمارستان ها بخشهای کارگری و کارمندی را ادغام کردیم.
همچنین در باشگاهها و استخرها و کلیه اماکن تفریحی را بروی کارگران و فرزندان آنها باز کردیم. کارشناس نمی خواهیم

زیره در پاسخ یکی از خبرنگاران که راجع به احتیاج به کارشناس خارجی سوال کرده بود گفت:
- اصلا احتیاج به کارشناس خارجی نداریم فقط به کارشناس بومیان برای تکمیل ساختمان های پروژه های نفت احتیاج داریم.

زیره سپس در مورد تأیید هیئت مدیره و مدیر عامل از طرف امام گفت:
ما مورد تأیید امام بودیم و هستیم
سوال شد: شما گفتید بایستی ترتیبی داده شود که عفو عمومی صادر شود و مصادر تجارت به صنعت دعوت شوند با علم اینکه در مبارزه با ارتجاع و امپریالیزم این منبع ملت خواهد بود؟

ج: من گفتم بجای صندوقی که دولت برای کمک به کارگران درست کرده آیا بهتر نیست که از کارفرمای خیر و خوب و متدین دعوت و تشویق شود که مشغول کار شود. آخر این کارفرما از ترس انقلاب نیست که به کارگاه یا کارخانه نمی آید بلکه از ترس کارگر هفت تیر بند خود است که نمی تواند کار کند بعضی از این کارفرمایان را می شناسیم. آخر همه اینها که عامل امپریالیزم نیستند بعضی می خواهند کار کنند و باید مشغول شوند و با سیستم دولت انقلابی کار کنند وگرنه ممکن است تا دو ماه دیگر کارخانه ها مراد اولیه ای نداشته باشند آتوق همین کارگر می رود دم خانه امام یا نخست وزیر که من گزینم هستم. متأسفانه کلی اغراض و تحریک هم در کار است.

هنه چیز نیست ایرانی
س: در مقابل بودجه ۲۰۰ میلیاردی دولت تولید نفت در سال ۵۵ چقدر خواهد بود؟
ج: وزیر دارائی معتقد بود که سطح تولید فعلی با آن قیمت قبلی بودجه تکلف خواهد کرد که با توجه به افزایش قیمت می توانیم بیش بینی کنیم زائد بر استفاده دولت هم خواهد بود.

س: قرار بود هیئتی از کسرسوم برای مذاکره به تهران بیاید چه شد؟
ج: ما ترجیح دادیم که در محل نمایندگی خودمان در لندن با آنها صحبت کنیم البته تأکید می کنم که این مذاکره فقط برای تسویه حسابها و اختلافه با شرکت تر بین رفقه کسرسوم در ایران است.
س: کسرسوم بهیچ نحوی از انحاء دخالت ندارد؟
ج: بهیچ وجه.
س: - اکتشاف و استخراج و صادرات دست ایرانی کاملاً متعلق یافته است؟
ج: کاملاً متعلق یافته است

س: شرکت اسکو منحل شده یا نه؟
ج: شرکت اسکو با خاص خدمات ایران که زمان فعالیت کسرسوم وجود داشته و الان وجود ندارد.

س: به چه کشورهایی نفت فروختید و قیمت چگونه دریافت میشود؟
ج: به ژاپن - برزیل، هند، فرانسه، اسپانیا، انگلیس، پرتغال، سوئد، فنلاند، ایتالیا، بلژیک، آلمان، رومانی، لهستان، بلغارستان، آمریکا، کره، فیلیپین، بنگلادش، هندوستان و ترکیه نفت فروخته شده و پول هم یکماهه و یا دو ماهه نقد دریافت میشود.

س: در بازار آزاد نفت ۳۵ دلار فروخته میشود آیا در قراردادهای خارجی درازمدت شتابزده انجام ندادید؟
ج: ما قرارداد دراز مدت نداریم همه ۹ ماهه بوده و ۳۵ دلار هم استثنایی است همه نمی خرید قیمتی که ما در خلیج می فروشیم بالاترین قیمت این منطقه است یعنی بشکه ۱۸ دلار و ۲۷ سنت

تحریم نفت
س: آیا با سیاست افزایش خرید نفت و ذخیره لن فکر نمی کنید دول غربی تصمیم دارند نفت را پس از ذخیره کامل تحریم کنند تا ما را در مضیقه بگذارند؟
ج: ایولا دولتها نفت بقصداری می برند که حتی مصرف روزانه آنها را هم نمی رسانند مخصوصاً که ما روزی ۶ میلیون بشکه استخراج می کردیم و حالا ۲ میلیون و می بینید که کمتر می برند و اینکه دست به تحریم فرضی شما بزنند بعید است.

س: کارتر گفته افزایش قیمت نفت بضرر تولید کنندگان تمام میشود شما چه جرابی می دهید؟
ج: آقای کارتر باید جراب بدهد او ما را می ترساند اگر کارتها و تراستها بخاطر افزایش قیمتها این حرفها را می زنند. ترسید ما جرابگوی همه حرفها بودیم و خواهیم بود.

س: در مورد ادغام پتروشیمی و گاز و نفت چه اقدامی کرده اید؟
ج: ادغام این سه شرکت عملی خواهد شد اصلا ضرورتی برای ایجاد دو شرکت پتروشیمی و گاز نبوده است.

س: خط دوم لوله گاز چه میشود؟
ج: چون صنوبر گاز مطلقاً به نفع نیست پروژه خط دوم متوقف شده و گازهایی که میسوزد طرحهایی در دست است که تر سرختن آنها جلوگیری شود و فعلاً به همان خط لوله اول اکتفا می نمائیم.

س: تکلیف سرمایه گذارهایی ما در اسرائیل و افریقای جنوبی چه میشود؟
ج: در حال مذاکره هستیم در اسرائیل ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری شده است که باید بنحوی آنان را احل کنیم ولی در افریقا ۱۷/۵٪ است و مقدارش خیلی کم ولی برای هر دو مشغول مذاکره هستیم.

نمایشگاه نقاشی

بهرام دبیری

از روز چهارشنبه ۲۳ خرداد
در ساختمان جنبش

بررسی موضع انقلاب

بقیه از صفحه اول

حفظ آزادی در جهان توصیه میکنند که دولت آمریکا از امضای آن منصرف شود.

در همین زمان و موازی با توصیه نمایندگان سنای آمریکا در همان مجلس اکثریتی «یکپارچه» علیه اعدام چند ده تبهکار و جانی در ایران ساخته و پرداخته میشود و افکار عمومی را آماده میکنند که در استمرار انقلاب ایران خطری عظیم برای جهان احساس کند نتیجه آنکه پس از گذشت دو هفته پیوندی بین مذاکرات ۲ و مسائل ناشی از انقلاب ایران در منطقه پدید میآید و شسته و رفته روی صحنه سیاسی دنیا ظاهر میشود.

روشنی روزها نیز خسرگزارها و روزنامه‌های خارجی مسائل نفت را در پیوند با انقلاب ایران مطرح میسازند:

آسوشیتد پرس تحت عنوان «افزایش قیمت نفت لطمه شدیدی به کشورهای جهان سوم وارد میکند» اشک تمساح برای کشور کیشا و مشکلات آن ناشی از ترقی بهای نفت می‌ریزد و با هرالد تریبون چاپ فرانسه پیشگویی میکند که جریان برخورد های مسلحانه در اطراف مراکز نفتی جنوب ایران برای کشورهای صنعتی غرب چشم انداز خطرناکی را پدید میآورد در روزنامه بی نظر فیگارو مورخ ۳۱ مه ۱۹۷۹ مینویسد «اگر آیت الله خمینی نتواند خوزستان را کنترل کند، دیگر همه چیز از کنترل او خارج خواهد شد» و باز هرالد تریبون تحت عنوان «وحشت در ایران و واکنشی در حال تکوین می‌نویسد آمریکا که برای نفوذ در اوضاع ایران فعلا چندان کاری از دستش ساخته نیست، باید صبر و بردباری و هوشیاری را در پیش گیرد».

درست در همین ایام سفیر ایران در مسکو به ملاقات رهبر کشور شوروا خوانده میشود در این ملاقات بر ژرف انقلاب ایران را بعنوان انقلابی علیه استعمار می‌ستاید و نهضت آزادیبخش شورمان را نهضتی ضدامپریالیستی و آزادیخواه میشناسد و تأیید میکند که این نظر رسمی دولت شوروی است و در پایان اظهار

امیدواری میکنند که روابط دولت ایران و دولت شوروی همچنان گرم و صمیمانه باقی بماند.

اما بنظر میرسد که این گفتگو و شناخت مثبت نهضت ما چیزی کم دارد. به عبارتی دیگر پس از بیان یک واقعیت، بدون نتیجه گیری و مشخص ساختن موضع کشور شوروی در مقابل حوادث آینده که میتواند در جهت متوقف ساختن این انقلاب بزرگ انجام گیرد، اظهار امیدواری میشود که روابط ایران با شوروی صمیمانه و گرم باقی بماند. بدون آنکه امید به «پایداری روابط گرم» را با روشی که شوروی در قبال حرکات خصمانه احتمالی استعمار غرب علیه انقلاب ایران، اتخاذ خواهد کرد پیوند دهد. بنابراین مانور سیاسی بالا میتواند این استنباط را بدست دهد که آیا شوروی نمیخواهد از قیل پای خود را از صحنه وقوع یک فاجعه در منطقه بیرون کشد و در مقابل حرکت استعماری ابر قدرت رقیب بخاطر تامین منافع خود در جانی دیگر سکوت کند. آنچه در گذشتهی نهضت های مردم ما، حداقل یکبار پدید آمده است؛ آیا رهبران شوروی نمیخواهند از این راه به حمایت از ما تظاهر کنند اما در عمل، ما را در مقابل نقشه های استعماری بحال خود گذارند؟ از گذشته ای که چندان دور بیاد داریم که چگونه با سرنوشت کشورهای کوچک و استقلال و تمامیت ارضی شان قمار سیاسی میشود. ابر قدرت ها کارا نشان داده اند که اگر با قربانی کردن منافع ملت های کوچک راهی به مصالحه موقتی بین خود بیابند در انتخاب آن درنگ نخواهند کرد.

میدانیم که به نتیجه رساندن مذاکرات ۲، برای دولت شوروی از چه درجه اهمیت و حیثیتی برخوردار است. تنها تگاهی به کوشش های سیاسی و تبلیغاتی یکساله اخیر شوروی ما را به اهمیت موضوع واقف میسازد. علاوه بر آن آگاهی که اگر مذاکرات ۲ به نتیجه نرسید، هزینه تسلیحاتی شوروی برای حفاظت بیشتر موشک های بالیستیکی خود در قبال موشک های قابل و تولید بمب های نوترونی

اقتصاد این کشور را بیشتر از پیش تحت فشار قرار خواهد داد و تورمی افزایشی پدید خواهد آورد. بنابراین جا دارد که به حساسیت شوروی و علاقه آن در رسیدن به این هدف پی بریم. به پیچیدگی موضع شرق باید قیام مذهبی در افغانستان و پی آمدهای احتمالی آن را در مرزهای جنوبی جمهوری های آسیای شوروی افزود.

از آنچه گفته شد میتوان نتیجه گرفت که شوروی میداند که برای دست یابی در سال ۲ باید امتیازهای متقابل بدهد. آیا سکوت شوروی و باز گذارن دست آمریکا در منطقه این امتیاز متقابل نیست؟

در ملاقاتی که بین نماینده اعزامی ایران با حافظ اسد در روزهای قبل انجام میگردد، رهبر سوریه عقیده خود را چنین بیان میدارد: «انقلاب ایران و تأثیر آن در مرزهای ایران خاتمه نمی یابد و تنها متعلق به ملت ایران نیست. اثرات این انقلاب در منطقه غیر قابل انکار است و ما میتوانیم تجسم کنیم که در صورت عدم وقوع این انقلاب وضع منطقه بعد از پیمان مصر و اسرائیل چگونه بود. بنابراین من به سران دولت عراق هشدار میدهم که سوریه هرگونه حایلی را که بین ملت ایران و ما قرار گیرد از میان ببرد».

این خود نشانی از اهمیت نقش انقلاب ملت ایران در منطقه است، اگر که از تأثیر آن در جهان سخن نگوئیم.

بنابراین نیک میدانیم که در این مرحله دشوار از انقلاب چگونه استعمار چند گام عقب نشسته، باز پای به میدان میگذارد و میکوشد که انبوهی از مشکلات را در پیش پای ملت ایران بگذارد. میکوشد تا با یاقیمانه دسته های متلاشی شده نیروی استبداد مجددا در تماس آید و آزادی عمل و ابتکار را در صحنه داخلی بدست گیرد.

با توجه به وقایع برشمرده در بالا ابعاد فضای سیاسی شورمان تعیین و دشواری وضع سیاسی و اجتماعی انقلاب مردم کشورمان آشکار میشود. در نگرشی به چند بعدی بودن این مسئله است که اهمیت وحدت طبقات و قشرهای مختلف ملت بیش از پیش آشکار میگردد. به احتمال نه چندان بعید،

در ماههای آینده کوشش میشود که ملت و دولت ایران بسمت یک ایزولاسیون سیاسی سوق داده شود و از برخورداری یک حمایت اصولی دولتی قوی بهره مند نباشد. لاجرم بیاد داشته باشیم که در آینده باید اتکالمان بیشتر بخودمان و به وحدت نیروهای داخلی مان باشد.

در چنین بررسی اوضاع سیاسی ما و جهان است که نقش همه اجزای، جمعیت ها اعم از روشنفکران، کارگران، زارعین و اصناف روشنتر میگردد. ملت ما فقط در یک اتحاد و اتفاق فوق نظرات سیاسی میتواند کمبود حمایت سیاسی از خارج را پر کند. ملت ما بویژه روشنفکران آن در مقابل یک آزمایش تاریخی از رشد سیاسی و تفکر اجتماعی قرار گرفته اند.

لازم بذکر نیست که قشر متفکر مملکت باید بیاد داشته باشد که اگر مسیر افکار و باورهای ایده انوژیکی راست و مستقیم است، انطباق این افکار بر سیاست و تاکتیک های اتخاذ شده برای رسیدن به هدف های سیاسی نمیتواند مستقیم و یا بقول ریاضی دانهای خطی باشد. مسیر حرکت های سیاسی مسیری مارپیچی روبجولو است که تصویر عرضی آن زیگزاگی شکل و تصویر طولی آن حرکتی آکاردونی است. تعبیر و تعریف این حرکت جا خالی کردن بموقع در مقابل حملات و یورش ها و حفظ نرمش و تغییر جهت لحظه ای است. برخورداری از چنین دینامیسم و تحرکی میتواند وجود در کنار نهضت قرار گرفتن را برای قشر متفکر روش سازد.

اصالت کار قشر روشنتفکر که آهسته ولی طبق برنامه در مقابل نهضت گذارده میشود در آن است که صرف نظر از تفاوت های سلیقه و روش، آنجا قرار گیرد که مردم و توده ها هستند و در این موضع نظرات خود را چنان بیان دازد که این شونده ها آن را درک کنند. با این قید که زمان بیان نظرات زمانی مناسب انتخاب شود خلاصه آنکه کارمان باید عرضه محتوایی صحیح در قالبی موزون و در زمانی مناسب باشد. در این وظیفه خطیر و حرکت ظریف کوشا باشیم تا سهم خود را در ایجاد وحدت بین قشرهای مختلف از مردم زحمتکش شورمان ادا کنیم.

سهم اندیشه و تفکر در انقلاب

بقیه از صفحه ۲

استعمار قرار داشت و استعمار و استبداد دشمن فرهنگ و اندیشه و بار هدم ارتجاع و ظلمات فرهنگی و فکری است:

فرهنگ اسلامی نیز در این دورانهای سیاه طولانی در زیر قدرت مسلط استبداد شده بود و هرگز مجال تجلی پیدا نکرد.

در اینصورت در سلطه استبداد کلیه وسایل ارتباطی بین نسل های جوان و مذهب واقعی قطع شده بود.

اما این قطع رابطه دلیل بر این نبود و نیست که جوانهای تحصیل کرده و روشنفکر ما با مذهب مخالف بودند و یا در مسیر اعتراض به رژیم استبدادی و در تلاش برای سرنگون کردن آن شرکت نداشتند. اگر روحانیت در دورانهای گذشته نتوانست حقیقت مذهب اسلام را بصورت ضوابط آموزشی در آورد و تفکر اجتماعی نسل های ما را با اندیشه اسلامی که مذهب اعتراض علیه ظلم و زور و فساد است تربیت کند گناه از نسل هائی نیست که از این آموزش و فرهنگ محروم شدند و هرگز نتوانستند از طریق روحانیت به واقعیت احکام و اصول مذهبی آگاهی یابند؛ بنابراین گناه این نقص و آثار ناشی از آن اگر بر عهد روحانیت نباشد بطور قطع متوجه روشنفکران و جوانانی که اکنون به این گناه متهم می شوند نیست؛ اگر ما به صورت اسامی کنائی که در سالهای گذشته با ساواک همکاری داشتند نگاه کنیم خواهیم دید کسی که در این میان تنها و غریب خواهد ماند خود اسلام است و پس بنابراین در دوران پس از انقلاب آنچه که ضروری و حیاتی است اتحاد همه قشر هائی است که به اصول انقلاب معتقدند و چه فارغ ما اکنون مذهبی بودن و یا مذهبی نبودن نیست بلکه اعتقاد داشتن یا نداشتن به آزادی و استقلال و مخالف

برید و سراها در راه سود و سرمایه به ماده پیوست و شرق در طریق انقطاع از تجربه و طبیعت به جانی رسید که بکلی از جهان ماده و طبیعت برید. اسلام دین تعقل و جست و جو و مبارزه با طبیعت است: مهمترین قوانین تحول و دگرگونی را اسلام در جامعه شناسی عرضه می کند و حکم صریح قرآن است که تا اقوام بشری در نقش خود تغییری پدید نیآورند خداوند در شرایط زندگی آنها تغییری بوجود نمی آورد. این قانونی پویا و متحرک برای حرکت و مبارزه و برخورد انسان با نظام ارزشهای موجود است.

جامعه در بستر انقلاب یک واحد است و نمیتوان بدون مبارزه و درگیری قشر هائی از آن را کنار گذاشت و یا سهم آنها را در انقلاب فراموش کرد: سهم انسانها در انقلاب به نسبت موقع اجتماعی و موضع فکری تفاوت دارد کسانی با قلم و کسانی با قدم و گروهی با اندیشه و تفکر و جمعی با ایثار جان خود شرایط تحول جامعه را از دوران رکود به دوره انقلاب فراهم می کنند. جدا کردن دین گروهها از یکدیگر به شکلی که اندیشه و تفکر و قلم را بکلی از صحنه انقلاب کنار بگذاریم بدون تردید به جامعیت وحدت انقلابی ما لطمه ای جبران ناپذیر می زند. بیانات امام خمینی اگر در مسیر این جدائی نباشد ولی تلقی قشر های ارتجاعی و فرصت طلبان و کسانی که در اندیشه انحصار قدرت هستند این توهم را ایجاد می کند که امام در تأکید بر مبانی اعتقادی انقلاب ما را فقط محصول تلاش کسانی می داند که به انجام دقیق فرایض مذهبی پایبندند. در این حقیقت شکی وجود ندارد که سهم قشر های روشنفکری و تربیت شدگان مکتب آموزش غربی در انقلاب ما بسی ناچیز بود و حضور آنها در میدان مبارزه با حضور توده های مردم که به اعتقاد مذهبی مجهز بودند قابل مقایسه نیست: هماهنگی قشر های روشنفکری با ضوابط اداری و اجتماعی و سیاسی

بودن یا نبودن با ارتجاع است. تأکید بر قدوسیت و قد است روحانیت به نتیجه ای جز ایجاد یک طبقه جدید با امتیازات طبقاتی تازه نمی رسد: همه مردم ایران باید در راه انقلاب در زیر پوششی از روحانیت و معنویت قرار گیرند؛ اما نه روحانیتی که به انزوا و زهد و رهبانیت منتهی شود؛ نه روحانیتی که مانند دوران ساسانی یا صفویه طبقه تازه ای با قدرت انحصاری تازه بوجود آورد؛ نه روحانیتی که بدور خود حصاری از امتیازات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بکشد و مانند قلعه ای بسته و غیر قابل وصول بروی قشر های دیگر در آید. ما اکنون نشانه هائی از این نوع تلقی از روحانیت را می بینیم که متأسفانه به نحو خطرناکی جامعه ما را بسوی قطعی شدن سوق می دهد. این نوع تلقی دیر یا زود جامعه ما را بجای اتحاد و وحدت انقلابی به سوی هرج و مرج و پراکندگی و درگیریهای خطرناک اجتماعی و سیاسی می کشاند. و این همان چیزی است که دشمنان استقلال و آزادی ما را اعم از داخلی و خارجی خوشنود می کند و جامعه ما را بدوران تازه ای از استبداد و ارتجاع و یا خود کاملاً اعتقادی مبتلا میسازد.

متأسفانه در منابع دانشگاهی و روشنفکری روحانی و غیر روحانی نشانه ای از توجه به مطالعه عمیق مسائل کنونی انقلاب مشاهده نمیشود. مطبوعات و محافل غیر مذهبی هدفی جز تشدید درگیری و عوامفریبی های روشنفکرانه ندارند و محافل مذهبی همچنان بر وجود خط های جدائی و قطعی کردن قشر های اجتماعی به مذهبی و غیر مذهبی و انحصار کردن سهم خود در انقلاب خوین ما تأکید میورزند و این راهی است که نقطه پایان آن جز فاشیسم و ارتجاع وابسته به استعمار و یا تحمیل یک پردگی ایدئولوژیکی بر نهج استبداد شرقی چیز دیگری نیست.

از زمانیکه قرار شد کارگران کارخانجات اعتصاب را پایان داده و به سر کار خود بروند در گوشه و کنار کشور و نیز در روزنامه ها و مجلات مسائل و مشکلات عدم شروع بکار برخی از کارخانجات دیده میشود و هر شونده و یا خواننده منتظر اقدام مقامات دولتی در این زمینه است، ولی آیا میتوان گفت که کلیه نارسائیهایی ذکر شده در روزنامه ها و در مصلحه ها به علت تعطیلات و اعتصابات مربوط به دوره انقلاب شکوهند ایران است؟

جواب این سوال حدود نود درصد منفی میباشد، بدین منظور که سرمایه گذاران دوران گذشته فقط به فکر میزان بازده سرمایه و مدت استهلاك سرمایه خود بوده اند نه بفکر نوع صنعت و یا بالا بردن میزان اشتغال و در آمد ملی.

از این نظر به محض وجود کوچکترین مشکلی در راه ایجاد طرح خود و یا تغییر تعرفه های گمرکی و عدم حمایت دولت تمام پیش بینی های انجام شده آنان بهم خورده و مایل به ادامه کار نخواهند بود.

مشکلات برخی از واحدهای ایجاد شده که در زمان دولتهای قبل نیز وجود داشت شرح زیر میباشد: نبودن بازار فروش محصول، نداشتن وجه کافی برای اجزای تعهدات سرمایه ای خود، بالا رفتن میزان هزینه های ثابت طرح نسبت به مبلغ پیش بینی شده قبلی و عدم تمایل به تأمین منابع مالی آن و نتیجتاً توقف طرح بصورت نیمه تمام، نداشتن سرمایه در گردش کافی برای تولید اولیه و یا حتی برای ادامه کار کارخانه، نداشتن مدیریت با تجربه، بالا بودن میزان زیانهای وارده تا حد پنجاه درصد سرمایه به علل گوناگون بطوریکه برخی از شرکتها در فرز ورشکستگی قرار داشتند.

ذاتی مشکلات واحدهای صنعتی و تولیدی پس از انقلاب با مشکلات ذکر شده در فوق بسیار متفاوت بوده و میتوان موارد زیر را بعنوان نمونه ذکر کرد:

کمبود مواد اولیه داخلی و خارجی، نداشتن وجه کافی برای ترخیص کالا از گمرک و یا عدم امکان اخذ ضمانتنامه از بانکهای کشور برای ترخیص، نداشتن وجه کافی برای اخذ استاندارد از بانکها (مربوط به مواد اولیه و یا قطعات بدکی)، واخواست اسناد دریافتی مربوط به فروشهای قبل از انقلاب، مشکلات عدیده در گشایش اعتبار برای واردات مواد اولیه (مثلاً اخذ صد در صد ارزش کالا بصورت سپرده، رسیدن سر رسید پرداخت تعهدات از قبیل وامها و اسناد - پرداختی، خروج مدیران و سهامداران عمده از ایران، نامشخص بودن وضع قوانین اقتصادی، گارگری و مالیاتی، عدم وجود انضباط کاری در کارکنان و نتیجتاً کاهش میزان کاری و غیره.

حالا چه کسی بایستی این دردها را تشخیص دهد در مرحله تشخیص و رفع چاره مشکلات هر شخص مسئولی بفکر مقامات دولتی می افتد و میگوید مگر کارکنان ذیصلاح در دولت چه میکنند و بایستی در اسرع وقت دردها را تشخیص داده و سپس چاره آنها را نیز بیندیشند. من با تشخیص اینگونه دردها توسط مقامات دولتی بطور کلی مخصوصاً در این برهه از زمان برای

شرکتهای تولیدی، صنعتی، معدنی

و راه حلی برای مشکلات آنها

علی پریستانی

تمام واحدها مخالف هستم و تشخیص را بعهده مقامات دیگر که در ذیل توضیح داده میشود میگذارم.

وقتی ترازنامه یک شرکت تولیدی، صنعتی و معدنی را با بیش از حدود ۵۰ میلیون ریال سرمایه گذاری ثابت مورد بررسی قرار دهیم، در یک دید میبینیم که شرکت احتمالاً از یکی از بانکهای تخصصی وام کوتاه مدت و یا بلند مدت دریافت کرده است و یا حتی نام یک بانک تخصصی بعنوان سهامدار در لیست سهامداران وجود دارد، ولی بانک تخصصی چیست؟

دولتهای گذشته بمنظور تسهیل سرمایه گذاری و فعالیتهای بخش خصوصی در امور صنعتی، تولیدی، معدنی و حمل و نقل و همچنین اعطاء وام کوتاه مدت و بلند مدت به صنایع مزبور که در قالب اشخاص حقوقی میباشد اجازه تأسیس اینگونه بانکها را صادر نمودند تا این تاریخ تعداد پنج بانک تخصصی در سطح فعالیت کشور و تعداد سه بانک در سطح فعالیت ناحیه ای تأسیس گردیده است. اساسی آنها به ترتیب سطح فعالیت عبارتند از: بانک اعتبارات صنعتی، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، بانک توسعه و سرمایه گذاری ایران، بانک ساختمان، بانک توسعه کشاورزی ایران، بانک گسترش خزر، بانک گسترش آذربایجان و بانک گسترش خوزستان.

در صورتیکه آخرین ترازنامه منتشر شده اینگونه بانکها مورد بررسی قرار داده شود، مشاهده میگردد که مانده وامهای اعطائی (پرداخت شده) در پایان سال ۱۳۵۶ بالغ بر ۲۳۲/۶۴۰/۰ میلیون ریال و میزان سرمایه گذاری در سایر شرکتها حدود ۴۲۰۰۰/۰ میلیون ریال جمعاً بالغ بر ۳۱۵/۶۴۰/۰ میلیون ریال بوده است.

این وامها در مقابل چه وثیقه و تضمینی به شرکتها پرداخت شده و وجه آنها از چه منابعی تأمین گردیده است؟ وامهای اعطائی با توجه به نوع شرکت، مدیریت و سایر ضوابط مورد بحث در مقابل به رهن گرفتن دارائیهای ثابت (زمین، ساختمان، ماشین آلات و تأسیسات) شرکت یا سفته به تعهد و ضمانت مدیران و یا سهامداران اعطاء میگردد و در صورت تخلف وام گیرنده از شرایط قرارداد منعقد، بانک میتواند از حق قانونی خود استفاده کرده و وثیقه مورد رهن را از طریق قانونی تسلیک و یا به متعهدین و ضمانتین وامها مراجعه نماید. در صورتیکه بانکها بخواهند به متعهدین و ضمانتین مراجعه و مطالبات خود را از آنان مطالبه نمایند. متأسفانه پس از بررسی ملاحظه میشود که متعهدین که همان سهامداران متمول و در ظاهر متعهد بوده اند از ایران رفته و بانکها فقط بایستی دارائیهای مورد رهن را از طریق قانونی

تخصصی نظارت و بررسی شرکتهای وام گیرنده و سپس راهنمایی آنها از نظر مسائل تولید، اداری، مالی و غیره میباشد. ولی آیا بانکهای تخصصی این عمل را مجانی انجام میدهند؟

طبق مفاد قرائن داد منقده بین بانکهای مزبور و وام گیرندگان مشاهده میشود که وام گیرنده موظف است کار مزد یا هزینه ای بعنوان هزینه بررسی و نظارت یا خدمات و مدیریت و یا کار مزد به نرخ یک (۱) در صد در سال نسبت به مانده بدهکار وام خود به وام دهنده بپردازد. این رقم هزینه برای شرکتهای وام گیرنده و یا در آمد برای بانکهای تخصصی مثلاً در سال ۱۳۵۷ حدود ۲/۳۳۶/۴ میلیون ریال (در صورت ثابت بودن مانده وامها طی سال ۱۳۵۷ و احتساب نرخ یک (۱) در صد در سال نسبت به مانده اول سال ۱۳۵۷) بوده است. آیا اینگونه بانکها در مقابل دریافت مبلغ مذکور چه اقدام مثبتی در کمک و راهنمایی به صنایع داخلی نموده اند، و آیا صحیح است که دولت انقلابی با کمبود پول و کسری ۱/۰۰۰ میلیارد ریالی و کمبود نیروی انسانی متخصص جور بانکهای تخصصی را بکشد و کارکنان این بانکها که در ریف کارشناس، کارشناس ارشد و مدیر با تحصیلات لیسانس به بالا هستند از رشته تخصصی خود بهره نبرند و عاطل و باطل روز را بگذرانند. البته همه گناه تقصیر کارشناسان و یا مدیران بانکها نیست بلکه این وظیفه وزارت صنایع و معادن است که چون خود دارای نماینده در سطح معاونت در جلسات هیئت عامل اینگونه بانکها از آنها مصرا و سریمایا بخواهد که وظیفه خود را انجام دهند و کلیه مشکلات و مسائل را که شرکتهای وام گیرنده با آنها روبرو هستند مورد بررسی قرار داده و نتیجه و پیشنهاد خود را به وزارت کار و وزارت صنایع و معادن اعلام تا هر چه زودتر جلو تعطیل واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی و یا حراج آنها توسط بانکهای وام دهنده گرفته شود و کشور عزیز ما با ورشکستگی اقتصادی و افزایش بیکاری روز افزون روبرو نگردد.

برخی از تصمیم گیرندگان در بانکهای تخصصی دارای تحصیلات و فکر غربی و مصرفی بوده و صرفاً بانک تخصصی را بعنوان یک صرافی در آورده و فقط بفکر بالا بردن میزان وامهای اعطائی و بالا بردن میزان سود و تقسیم آن بصورت وامی و یا واقعی بین سهامداران طبقه متوسط (در سطح بسیار کم) و طبقه مرفه بوده اند. سوال میشود آیا هدف از تأسیس بانک تخصصی تقسیم سود بوده و یا کمک به پیشرفت صنایع کشور؟ آیا این بانکها اصولاً بفرایز اعطای وام و اخذ بهره و کار مزد و سرمایه گذاری در شرکتها متوسط و بزرگ وظیفه دیگری نیز دارند؟ یکی از وظائف عمده و مهم بانکهای

نام بانک	میزان وام	میزان سرمایه گذاری
توسعه صنعتی و معدنی ایران	۱۰۶/۰۸۱/۴	۳۳/۶۴۰/۱
اعتبارات صنعتی	۷۳/۸۳۸/۲	۹/۳۰۴/۱
توسعه و سرمایه گذاری ایران	۲۰/۲۵۲/۸	۴۴۶/۰
ساختمان	۱۵/۴۷۵/۰	۱/۸۸۱/۰
گسترش خزر	۲/۳۵۰/۳	۳۶/۵
گسترش آذربایجان	۲/۳۳۶/۱	-
گسترش خوزستان	۴۲۲/۲	-
توسعه کشاورزی	۵۲/۷۶۱/۹	۶/۶۷۶/۸
جمع	۲۳۲/۶۴۰/۰	۴۱/۹۸۵/۵

ماخذ: گزارشهای سالانه بانکهای مذکور برای سال ۱۳۵۶

مخالفت در ابوعطا

مانده و در مرزها چه خبر است؟ - تا ده روز دیگر دو ابر قدرت جهان، به بهانه سانت ۲ هدیگر را ملاقات خواهند کرد

در این ملاقات است که قبل از تحدید سلاحهای مرگ بار هیدروژنی، طرفین قسبه - آمریکا و روس - باید یک تجدید مختصری هم روی مرزهای بهم ریخته منابع خویش بکنند معادله «گلز از تورفت از من» یا همانی سال تو، من سال من» با این انقلاب من و تو بهم خورده است. همزیستی مسالمت آمیز کندی و خروشینی باید دود بپاید. حالا اگر معادله پانزده بیانه شان بهم خورده، این مشکلی نیست. به سه روزه طش خواهند کرد به عنوان مقدمه کالی است که همسایه ها بیفتند به جان هم به چه بهانه ای؟ بهانه که فقط نیست در کردستان خود مختاری و شمه و سنی بازی، در تقه کرد و ترک بازی در گنبد محلی و فهاجر بازی، و در خورشهر فارس و عرب بازی، چه کسی با چه کسانی این آتش تفاق را کوریت بزنند؟ همان افراد و گروههای جهالتون و فرصت طلب و شلیخته نوکری، چرا که پیرانشان به آنها وصیت کرده اند اگر چاره ای از نوکری نیست، پس بهتر که نوکر طوطی خوره ها بشویم!

شمال مدیترانه را بخراب می بیند؛ باید تهران آرام نباشد. این کمه خرنکار خلجی حاضر در تهران اگر خبر از آرامش مرکز بدهند، این گروههای روشنفکرانی که عادت به نوکری طاغوت کرده اند در مقابل بورس و سفر و تقرب به منابع قدرت خلجی، این ها بزلزله شان را کد می مانند.

پس لازم است که هر روز به بهانه ای، یک روز کنگره فلان، یک روز اعتصاب بهمان و یک روز گرد همایی زهر مار و خلاصه به هر بهانه ای باید نمایشی از مخالفت تدارک دید دولت هم که هنوز مستقر در موضع قدرت نشده است و ازادی هم که تا حد بی بند و باری موجود است، فزای موجود مانع مقفوره، گاهی هم لازم است یک تنگ تکیه زهر بر نمانی، در تشریح ای و نگی بزند که آزادی حد و مرزی نمی خواهد تا به این ترتیب است که هر فرد و گروه مخالفی، بریده از انقلاب و مردم، تنها در فکر عرضه کردن خویش است به بازار جهانی سرمایه داران بی نوکر

کشور در همین زمان، یک سوم اضافه شده باشد. چرا هشتصد هزار نفر شده است پنج برابر؟ آیا جز به قیمت خرابی تمام مملکت؟ آیا جز به این علت که تهران پتیاره بک کرده شده بود باطوق غارتگران متجاوز از ده کشور سرمایه طر جهان؟ این آسان خراش های هتل شده جایی چه کسانی بوده است؟ و این جمعیتی که در تهران جمع شده اند - به فرار از روستا و شهرستان خویش - جز به این کار آمده اند که عمله و خدمه غارتگران مغربی باشند و از بین دو تن، یکی یک روستایی خفالی، - اما عامی و بیسواد ولی زحمتکش و کارکن - و دیگر یک شهرستانی ترک با گیلانی یا مازندرانی اما روشنفکر و باشعور و سواد دلی رند و زبیرش در رو - کدام یک در قبول این تنگ نوکری دلان سرمایه دار خلجی، می توانند مورد سرزوش واقع شوند؟ آنکه از دنیا و مافیها بی خبر است و پندبال لقمه ای نان از ده خراب شده اش گرفته است. با آنکه جهان بینی دارد و شوق جهان گردی، در شب رویای سواحل طلائی

تواند در انتظار این بهانه که تو بر خود مسلط شوی؛ این احتمال نیست که دلان نهایی این مواد خام حوصله شان سر خواهد رفت و در صدد بر خواهند آمد، اگر آن قره نوکر لریامهری دیگر قبول محلی نلارد، گروهی دیگر از قره نوکران را در استفهام خویش بکنند؟ و اگر این احتمال باشد، این قره نوکران را آمریکا و روس و فرانسه و آلمان و... از کشور های خود که نمی آورند از بین خود ما انتخاب می کنند اما مستشان به سمت چه کسانی خواهد رفت؟ جز آنانکه را استبدادشان به هوستا و جز آنانکه اسلام را و جمهوری اسلامی را نه سفید و نه کالی و نه لازم می دانند؟ و جز آنانکه اسم و عکس و تفصیلاتشان در همین چند هفته اخیر، زینت بخش مطبوعات و تله ویزوئهای خارجی است؟ و جز بی کاره های پر مدعایی که با عنوان حقوقدانی و قانون دانی و آزادیخواهی و... دیگر عناریتی که بدگ می کنند، از تمجب شاخ در آورده اند که مگر آزادی مطبوعات لایحه و قانون هم می خواهد؟ در پایتخت چه خبر است؟ - تهران، پایتخت بی سیرت و صورت شده کشور، در فاصله کمتر از دهسال، جمعیتش از هشتصد هزار نفر رسیده است به متجاوز از چهار میلیون نفر. این جمعیت از کجاست؟ گرم که جمعیت

ورزشی چنین معرفی کرد
اقایان: حاج عبدالله کرمی - حاج محمودمانیان - حسین نایب حسینی - حاج حسین سجادی - حاج اسماعیل هرابی - حاج باقر مهدیه - حاج محسن تنها - حاج علی کبیری - حسن هادی فر - مرتضی ناجیک - مهدی تختی - حسین شیرینان و رحمت الله غفوریان.
شاه حسینی سخنان خود را با یادجواسریدیهای جهان بهلوان بختی سهد پایان برد سپس ورزش باستانی انجام سد و بعدار سهرامی مهتسب مهدی بلزروگان نخصت وزیر جلسه پاتکیج حاضران مایان یافته

از جمله لانه های فساد که در روزهای انقلابی بهمین ماه گذشته به دست مردم ویران و برجیده شد باشگاه شعبان بی میخ بود که از باج های دولتی و حق الصلهای «تاجبختی» پرایش ساخته بودند و بر بانکدانشه بودند.
پس از پیروزی انقلاب آن ساختمان نیمه ویران وسیله سلزیمان تربیت بدنی مردم ورزش دوست تربیم و در روز جمعه که مصادف با ولادت امیرالومنین علی علیه السلام بود با شرکت نخست وزیر و چند تن از وزرا و مردان دولت و انقلاب افتتاح شد.
جلسه را حسین شاه حسینی رئیس تربیت بدنی با سخنان خود گشود و هیئت مدیره منتخب و ورزش باستانی را مرکب از پیش کسوتان و علاقمندان قدیمی این

از جمله لانه های فساد که در روزهای انقلابی بهمین ماه گذشته به دست مردم ویران و برجیده شد باشگاه شعبان بی میخ بود که از باج های دولتی و حق الصلهای «تاجبختی» پرایش ساخته بودند و بر بانکدانشه بودند.
پس از پیروزی انقلاب آن ساختمان نیمه ویران وسیله سلزیمان تربیت بدنی مردم ورزش دوست تربیم و در روز جمعه که مصادف با ولادت امیرالومنین علی علیه السلام بود با شرکت نخست وزیر و چند تن از وزرا و مردان دولت و انقلاب افتتاح شد.
جلسه را حسین شاه حسینی رئیس تربیت بدنی با سخنان خود گشود و هیئت مدیره منتخب و ورزش باستانی را مرکب از پیش کسوتان و علاقمندان قدیمی این

زاد روز جوانمرد
عالم اسلام
و افتتاح باشگاه ورزشی
باستانی تربیت بدنی

عراق چند دهکده مرزی ایران را کوبیده است. خبر دیروز این بود اخبار روزهای پیش را هم داشتی. پریروز حادثه گنبد بود پس پریروز حادثه ننده و سه روز پیش ترش. حادثه کردستان.

در مرزهایت چه خبر است؟ و در مرکزت چه خبر؟ تو که هستی؟ و سرگرم چه کار؟

برای پیدا کردن جواب، به نظر سه راه موجود است:

۱- به ترتیب سئوالات، در صدد پیدا کردن جواب ها باشی. بلند شوی بروی به نقاط مرزی. تنها، یا همراه با گروهی. و برای نظارت یا نظارت و دخالت با هم. و مگر زفته آند؟ و چه خبر بر تو آشکار شده است؟ پنج نفر رفتند خرمشهر. در یک هیات و تا کتون دو نوع گزارش داده اند. و باید منتظر انواع دیگرش هم باشی.

۲- به ترتیب عکس سئوالات، در صدد جواب برای اول به بینی که تو که هستی؟ چه کار می کنی؟ اطرافت چه خبر است؟ و در مرزهایت چه خبر؟ این شیوه عمل، این لطف را دارد که چون از خود شروع کرده ای، جوابهایی که بدست می آوری، به اندازه خودت قابل لمس، تجربی، و قابل تکیه است. و هر چه دورتر بروی، گنگی و ابهام بیشتر میشود در روش نخست، از ابتدا، تمام جوابهایت گنگ و مبهم می ماند.

۳- از هر دو شیوه شروع، آغاز کنی. و با هم، و حاصل کار را، به حیار قیاس و سنجش، محک بزنی. می خواهی شما را از این راه سوم به سمت واقعه ببری. ما که هستیم؟ - جان به لب رسیدگان ازغارت، از جکشتار، از جنایت، از خیانت و از زور و قلدری. به نسبت سن مان، بین پنجاه تا پانزده سال زیر سلطه له شده. با تجربه قیامی که در سال ۱۳۳۵ داشته ایم. قیام علیه استعمار. کشورهای چپاولگر سرمایه دار. اما، قیامی که به شکست انجامید. شکست ما. چرا؟ جواب این چرا، خودش یک مقاله است. اما بهر حال از آن شکست آموخته ایم که مصلحت نیست در گام اول جنگ استعمار را هدف قرار دهیم. استعمار و استبداد، در واقع یک چیز بیشتر نیست. اما یک نمودی با دو رویه. عین یک سکه. یک رو شیر. یک رو خط. در سال ۱۳۳۵ روی شیر را - روی استعمار را - نشانه کردیم و خطا شد. این بار از آن اشتباه پند آموختیم. و زورمان را گذاشتیم روی خط سکه. روی استبداد (کاری ندارم که این تشخیص را مدیون امام خمینی هستیم). و استبدادبان را بهزیمت فرستادیم. سنگر استبدادبان خالی ماند. و ما آماده اشغال سنگرهای دشمن -

مخالفت در ابوعطا!

شمس ال احمد

پیش - از انقلاب فرانسه - وارد مرحله نوینی شده است) در متجاوز از هزار سال پیش از انقلاب فرانسه تجربه و زندگی کرده ایم. اگر مفریبن از دوپست سال پیش بنگر این افتاده اند که آدمزاد را به علت رنگش، نمی توان خرید و فروخت، ما با فرهنگ بالیده ایم که این کار را هزار سال پیش از انقلاب فرانسه سامان داد

ما در کار تدارک و تنظیم و تصویب قانون اساسی جمهوری خودمانیم. قانون اساسی جمهوری اسلامی. و در عین حال ما در کار تنظیم قانون و لایحه مطبوعات خویشیم. اما چرا اینقدر دیر؟

تهیه طرح نخستین یک قانون، محتاج گروهی مأل اندیش است. مال اندیشانی که ضرورت آن طرح را - چون یک وظیفه شرعی - حس کرده باشند. نه مال اندیشانی که در انتظار دعوتنامه و حکم و اضافه حقوق و پست و افتخاراتند. یا مال اندیشانی که مدعی مال اندیشی هستند.

و نیاز به یک قانون اساسی جدید را، هنوز هم حس نکرده اند. به دلیل اینکه در طول این چهارماه گذشته، کجا سراغ داری یک روشنفکر یا یک گروه روشنفکری را که نشسته باشند و طرحی برای قانون اساسی ریخته باشند و در این دوپست مطبوعه معاصر آن را در معرض قضاوت عموم قرار داده باشند؟ این همه جمعیت های روشنفکری

نویسندگان، روزنامه نگاران، خورقدانان، و کلا، قضات و... در این کشور - و در همین چند ماه - تشکیل شد. حتی مجوسشان این لیاقت را نداشتند که یک لایحه مطبوعات تدارک به بپند. همه شان پخته خوارانی هستند مترصد تا تو فکری و طرحی بدی، و آنان، آن فکر را به اسم نقادی، به سخره بگیرند.

و از موضع کارشناسان، به فکر تو بتازند. این اقلیت از مردم جدا افتاده، تنها اثر وجودشان اینست که خلوت و آرامش را که تو نیازمندی، تا مرکز حواس پیدا کنی و رای خودت را بگویی یا رای مرا بشنوی، بهم بریزند. و کاری را که تو می توانستی سه ماهه به انجام برسانی، به تعویق بيفکنند. اما تعویق در این کار چه حاصلی برای آنان دارد؟ فکر نمی کنی عزیزم که بیست و اند سال است تو به دست همین انواع روشنفکران و مشاهیرتشان، به نفع اجانب از حیات و هستی ساقط شده ای؟ اگر تو در اداره امور خودت موفق نشوی، یا شکست بخوری، و یا کار توفیقت به درازا بکشد، خیال می کنی دنیایی که هر روز نیازمند نفت و گاز و مس و معدن توست، چه مدت می

بماند؟ این همه جمعیت های روشنفکری نویسندگان، روزنامه نگاران، خورقدانان، و کلا، قضات و... در این کشور - و در همین چند ماه - تشکیل شد. حتی مجوسشان این لیاقت را نداشتند که یک لایحه مطبوعات تدارک به بپند. همه شان پخته خوارانی هستند مترصد تا تو فکری و طرحی بدی، و آنان، آن فکر را به اسم نقادی، به سخره بگیرند.

و از موضع کارشناسان، به فکر تو بتازند. این اقلیت از مردم جدا افتاده، تنها اثر وجودشان اینست که خلوت و آرامش را که تو نیازمندی، تا مرکز حواس پیدا کنی و رای خودت را بگویی یا رای مرا بشنوی، بهم بریزند. و کاری را که تو می توانستی سه ماهه به انجام برسانی، به تعویق بيفکنند. اما تعویق در این کار چه حاصلی برای آنان دارد؟ فکر نمی کنی عزیزم که بیست و اند سال است تو به دست همین انواع روشنفکران و مشاهیرتشان، به نفع اجانب از حیات و هستی ساقط شده ای؟ اگر تو در اداره امور خودت موفق نشوی، یا شکست بخوری، و یا کار توفیقت به درازا بکشد، خیال می کنی دنیایی که هر روز نیازمند نفت و گاز و مس و معدن توست، چه مدت می

بماند؟ این همه جمعیت های روشنفکری نویسندگان، روزنامه نگاران، خورقدانان، و کلا، قضات و... در این کشور - و در همین چند ماه - تشکیل شد. حتی مجوسشان این لیاقت را نداشتند که یک لایحه مطبوعات تدارک به بپند. همه شان پخته خوارانی هستند مترصد تا تو فکری و طرحی بدی، و آنان، آن فکر را به اسم نقادی، به سخره بگیرند.

و از موضع کارشناسان، به فکر تو بتازند. این اقلیت از مردم جدا افتاده، تنها اثر وجودشان اینست که خلوت و آرامش را که تو نیازمندی، تا مرکز حواس پیدا کنی و رای خودت را بگویی یا رای مرا بشنوی، بهم بریزند. و کاری را که تو می توانستی سه ماهه به انجام برسانی، به تعویق بيفکنند. اما تعویق در این کار چه حاصلی برای آنان دارد؟ فکر نمی کنی عزیزم که بیست و اند سال است تو به دست همین انواع روشنفکران و مشاهیرتشان، به نفع اجانب از حیات و هستی ساقط شده ای؟ اگر تو در اداره امور خودت موفق نشوی، یا شکست بخوری، و یا کار توفیقت به درازا بکشد، خیال می کنی دنیایی که هر روز نیازمند نفت و گاز و مس و معدن توست، چه مدت می

بماند؟ این همه جمعیت های روشنفکری نویسندگان، روزنامه نگاران، خورقدانان، و کلا، قضات و... در این کشور - و در همین چند ماه - تشکیل شد. حتی مجوسشان این لیاقت را نداشتند که یک لایحه مطبوعات تدارک به بپند. همه شان پخته خوارانی هستند مترصد تا تو فکری و طرحی بدی، و آنان، آن فکر را به اسم نقادی، به سخره بگیرند.

و از موضع کارشناسان، به فکر تو بتازند. این اقلیت از مردم جدا افتاده، تنها اثر وجودشان اینست که خلوت و آرامش را که تو نیازمندی، تا مرکز حواس پیدا کنی و رای خودت را بگویی یا رای مرا بشنوی، بهم بریزند. و کاری را که تو می توانستی سه ماهه به انجام برسانی، به تعویق بيفکنند. اما تعویق در این کار چه حاصلی برای آنان دارد؟ فکر نمی کنی عزیزم که بیست و اند سال است تو به دست همین انواع روشنفکران و مشاهیرتشان، به نفع اجانب از حیات و هستی ساقط شده ای؟ اگر تو در اداره امور خودت موفق نشوی، یا شکست بخوری، و یا کار توفیقت به درازا بکشد، خیال می کنی دنیایی که هر روز نیازمند نفت و گاز و مس و معدن توست، چه مدت می

بماند؟ این همه جمعیت های روشنفکری نویسندگان، روزنامه نگاران، خورقدانان، و کلا، قضات و... در این کشور - و در همین چند ماه - تشکیل شد. حتی مجوسشان این لیاقت را نداشتند که یک لایحه مطبوعات تدارک به بپند. همه شان پخته خوارانی هستند مترصد تا تو فکری و طرحی بدی، و آنان، آن فکر را به اسم نقادی، به سخره بگیرند.

و از موضع کارشناسان، به فکر تو بتازند. این اقلیت از مردم جدا افتاده، تنها اثر وجودشان اینست که خلوت و آرامش را که تو نیازمندی، تا مرکز حواس پیدا کنی و رای خودت را بگویی یا رای مرا بشنوی، بهم بریزند. و کاری را که تو می توانستی سه ماهه به انجام برسانی، به تعویق بيفکنند. اما تعویق در این کار چه حاصلی برای آنان دارد؟ فکر نمی کنی عزیزم که بیست و اند سال است تو به دست همین انواع روشنفکران و مشاهیرتشان، به نفع اجانب از حیات و هستی ساقط شده ای؟ اگر تو در اداره امور خودت موفق نشوی، یا شکست بخوری، و یا کار توفیقت به درازا بکشد، خیال می کنی دنیایی که هر روز نیازمند نفت و گاز و مس و معدن توست، چه مدت می

بماند؟ این همه جمعیت های روشنفکری نویسندگان، روزنامه نگاران، خورقدانان، و کلا، قضات و... در این کشور - و در همین چند ماه - تشکیل شد. حتی مجوسشان این لیاقت را نداشتند که یک لایحه مطبوعات تدارک به بپند. همه شان پخته خوارانی هستند مترصد تا تو فکری و طرحی بدی، و آنان، آن فکر را به اسم نقادی، به سخره بگیرند.

دست کم به این زودی - نبودیم. اشغال سنگر های خالی مانده، اولین وظیفه ما شد. برخیش را به فرمان خمینی و برخیش را به هشدار طالقانی، اشغال کردیم. و طبیعی است که مدتی با مشکلات کار، دست و پنجه نرم کنیم. و طبیعی است که در هر گام، پایمان توی یک چاله - اگر نه چاه - فرو برود. مگر روز اول بازرگان نگفت:

۱- ما متخصص انقلاب نیستیم. ۲- ما سیاستمدار با سابقه یا متخصص سیاست نیستیم. ۳- ما سربازانی هستیم با ایمان به انقلاب و احساس مسئولیت کننده. ۴- ما تکلیف شرعی حکومت مداری پذیرفته ایم و در انجام آن به مشابه یک واجب عینی - نه کفایی - خواهیم کوشید. سعی خواهیم کرد طی کوتاهترین مدت از سه بزرگوار خلیف فرزندم، قانون اساسی و تشکیل مجلس بگیریم.

و پس از چهارماه، تازه از مرحله فراندوم گذشته ایم. ما چه می کنیم؟ سرگرم چه کاریم؟ - با فراندوم، پرونده سلطنت دو سه هزار ساله را مجاله کردیم و دور انداختیم. و به جای آن «جمهوری اسلامی» را اعلام کردیم.

چرا. ما معتقدیم که توان انجام این مهم را داریم. ما آزادی را (بخلاف مدعیات مسخره ای که می گویند و می نویسند که آزادی و دموکراسی یک تعبیر غربی است. یک تجربه بشری است که در غرب و از دوپست سال

دست کم به این زودی - نبودیم. اشغال سنگر های خالی مانده، اولین وظیفه ما شد. برخیش را به فرمان خمینی و برخیش را به هشدار طالقانی، اشغال کردیم. و طبیعی است که مدتی با مشکلات کار، دست و پنجه نرم کنیم. و طبیعی است که در هر گام، پایمان توی یک چاله - اگر نه چاه - فرو برود. مگر روز اول بازرگان نگفت:

۱- ما متخصص انقلاب نیستیم. ۲- ما سیاستمدار با سابقه یا متخصص سیاست نیستیم. ۳- ما سربازانی هستیم با ایمان به انقلاب و احساس مسئولیت کننده. ۴- ما تکلیف شرعی حکومت مداری پذیرفته ایم و در انجام آن به مشابه یک واجب عینی - نه کفایی - خواهیم کوشید. سعی خواهیم کرد طی کوتاهترین مدت از سه بزرگوار خلیف فرزندم، قانون اساسی و تشکیل مجلس بگیریم.

و پس از چهارماه، تازه از مرحله فراندوم گذشته ایم. ما چه می کنیم؟ سرگرم چه کاریم؟ - با فراندوم، پرونده سلطنت دو سه هزار ساله را مجاله کردیم و دور انداختیم. و به جای آن «جمهوری اسلامی» را اعلام کردیم.

چرا. ما معتقدیم که توان انجام این مهم را داریم. ما آزادی را (بخلاف مدعیات مسخره ای که می گویند و می نویسند که آزادی و دموکراسی یک تعبیر غربی است. یک تجربه بشری است که در غرب و از دوپست سال

دست کم به این زودی - نبودیم. اشغال سنگر های خالی مانده، اولین وظیفه ما شد. برخیش را به فرمان خمینی و برخیش را به هشدار طالقانی، اشغال کردیم. و طبیعی است که مدتی با مشکلات کار، دست و پنجه نرم کنیم. و طبیعی است که در هر گام، پایمان توی یک چاله - اگر نه چاه - فرو برود. مگر روز اول بازرگان نگفت:

۱- ما متخصص انقلاب نیستیم. ۲- ما سیاستمدار با سابقه یا متخصص سیاست نیستیم. ۳- ما سربازانی هستیم با ایمان به انقلاب و احساس مسئولیت کننده. ۴- ما تکلیف شرعی حکومت مداری پذیرفته ایم و در انجام آن به مشابه یک واجب عینی - نه کفایی - خواهیم کوشید. سعی خواهیم کرد طی کوتاهترین مدت از سه بزرگوار خلیف فرزندم، قانون اساسی و تشکیل مجلس بگیریم.

و پس از چهارماه، تازه از مرحله فراندوم گذشته ایم. ما چه می کنیم؟ سرگرم چه کاریم؟ - با فراندوم، پرونده سلطنت دو سه هزار ساله را مجاله کردیم و دور انداختیم. و به جای آن «جمهوری اسلامی» را اعلام کردیم.

چرا. ما معتقدیم که توان انجام این مهم را داریم. ما آزادی را (بخلاف مدعیات مسخره ای که می گویند و می نویسند که آزادی و دموکراسی یک تعبیر غربی است. یک تجربه بشری است که در غرب و از دوپست سال

دست هنگامیکه موضوع رور، برقراری جمهوری اسلامی در ایران و پاکستان است، گروهی به قصد تضعیف دامنه این رویداد، اشاره به مشکلات اجرایی بعضی از مقررات حقوق جزای قرآن می کنند.

این مقررات اگر سوء تعبیر شود، حقا ایجاد اضطراب خاطر و حیات و حتی کراهت می کند. اتفاقا در همین اواخر یک کمیسیون بین المللی از طرف یونسکو نتیجه تحقیق خود را درباره «اکزسییون» یعنی قطع بعضی عضوهای زنانه که در چند کشور آفریقائی و عرب مرسوم است، منتشر کرد. اگرچه در آن گزارش رسم «اکزسییون» را مفایر مراسم اسلامی دانسته بودند. ولی اشاره به رواج اسلام در برخی از آن کشورها مایه ایجاد ابهام درافغان درباره مذهب ما شد. اگرچه بی هیچ تردیدی قوانین اسلام مبتنی بر احترام محض و مطلق به تمامیت جسمی و کالبد انسان است.

«ر - شارل» در کتاب «حقوق اسلامی» منتشره «انتشارات دانشگاهی فرانسه» چنین میگوید: «حقوق جزای اسلامی که برای تعدیل افراط کاریهای جامعه قبیله ای قبل از اسلام بی ریزی گردید، این شایستگی را از خود نموده که کيفردان منوط به لایحه را انسان ساخته و اصولا با روش هولناک «کسییون» یا شستن متهم به چرخ شکنجه به قصد اعتراف گرفتن که تا سال ۱۷۸۹ میلادی در فرانسه مرسوم بود، بیگانه است.

حقوق جزای اسلامی، ضمن مصون دانستن جسم که به خلاق تعلق دارد، بر مبنای تساوی حقوق و رعایت مروت، متناسب بودن کيفرد و غرامت را با جرم و زین وارد توصیه مینماید.

دلایل جرم بایستی از اقرار مکرر متهم در چهار جلسه، به طرق مشروع و به دور از هرگونه شکنجه حاصل گردد.

قانون جزای اسلام قدرت اثبات قرآن را مرهون دانسته و صدور حکم را به ارائه آثار و شهادت های متعدد موکول کرده است. از اینقرار، طبق این قانون، قصاص فردی به تادیه غرامتی که میزان آن به توافق طرفین میرسد، تبدیل شده و پرداخت غرامت باضمان گروهی قبیله مجرم تضمین میگردد.

درباره مجازات های بدنی یا حدود (جمع حد). در مورد زنا و سرقت، آیا می توان این مساله را مطلق نگرست و قابل تعمیم درجهان دانست؟ بررسی نصوص و شرح رویدادها

نویسنده: نجاح جمال الدین ترجمه: س - آیرم از روزنامه لوموند

نظری به مجازات در اسلام

آقای نجاح جمال الدین نویسنده صاحب نظر و استاد دانشگاه در فرانسه را از راه چند مقاله اش شناختم. از سال گذشته که انقلاب اسلامی در ایران به اوج رسید پاره ای نویسندگان غربی به حدس و گمان، نه به تحقیق و گاهی غرض ورزانه درباره اسلام و انقلاب ایران مقالاتی می نوشتند. چند باری که نجاح جمال الدین به جوابگویی آنان برخاست. مقاله هایش در حد یک مسلمان متعهد و محقق استاد به هواداری از انقلاب ایران و اسلام بود: تخصص او در اسلام شناسی و رساله دکترایش مقایسه احکام شیعه و سنی است. این ترجمه آخرین مقاله او در روزنامه معتبر «لوموند» است که درباره کيفرد اسلامی و ظاهرا توضیحی در مورد سرودهای است که مطبوعات غربی در اطراف دادگاههای اسلامی انقلاب ایران راه انداخته اند.

دانش تدارک و وسائل استراحت و اقامت مهمان غربی در ساعات از شبانه روز، امکان ارتکاب بعضی از جرائم نظیر سرقت را افزایش داده بود و از اینرو تهدید به کيفری موحش، هرگونه وسوسه و گرایش بالقوه به بزهکاری را زائل میساخت.

لهذا، انجماد و انعطاف ناپذیری کيفر را بایستی به منزله شمشیر داموکلس و بیشتر بعنوان عامل موجد رعب و هراس و غریزه بازدارنده محسوب داشت. مضافا به اینکه اجماع کلیه مشروط که بموجب قانون برای اثبات جرم ضروری است آسان نبوده و قانونگذار بزه مشمول حد را با موشکافی تعریف کرده است.

بظهور مثال، سرقت از دکانها در روز روشن مستوجب کيفر یاقتده نیست و از اینقرار تادیه غرامت و جرمه ای متناسب تنها راه کيفردان مرتکبین اینگونه جرائم بوده است، موارد اجرای کيفرهای بدنی در جوامع اسلامی به استثنای جزیره العرب به درجه ای نادر است که به آشنائی ما هیچ یک از مولفین در این باره روایتی نقل نکرده است.

در جزیره العرب نیز رواج مجدد کيفرهای بدنی در سنوات اخیر و پس از به حکومت رسیدن طایفه سختگیر و متعصب وهابی (در عربستان سعودی) به ظهور

خلاف اینرا آشکار میسازد. در مواردیکه وقوع جرم تمامیت پیکر انسان و یا امنیت دولت اسلامی را به مخاطره نینفکد، کيفر اسلامی طبق مصلحت انعطاف پذیر می شود.

متون معدودی که درباره «حد» موجود است، اعم از آیات شریفه و یا آراء و احکام رسول اکرم، بارها مورد تفسیر و تحلیل چهار «مکتب رسمی» حقوق اسلامی و نیز فقه شیعی قرار گرفته و از اینرو اشکالی بنظر نمیرسد که قانونگذار مسلمان در حال حاضر مبادرت به تعبیر و اجتهاد مجدد این متون ننماید. مضافا به اینکه اسلام اجتهاد را در انحصار پایه گزاران مکاتب نگذاشته است.

به نظر ما، از نقطه نظر جغرافیائی، سیستم جزائی سنی بر مجازات های جسمانی بیشتر به جامعه بادیه نشین قبل از اسلام مرتبط میگردد زیرا ویژگی های این جامعه، شدت و صلابت پاره ای از احکام را ضروری میساخته است.

در اجتماعی که در آن مسئولیت مشترک پذیرفته شده و میهمان نوازی پیش از یک فریضه محسوب میگردد، سختی خلق و خوی اعراب بدوی در برابر نیاز به مراد و معاشرت با اطرافیان قرار گرفته، از سوی دیگر فقدان هرگونه حصار حافظ اموال درخیمه گاهها و الزام به سفره کشدن در مقابل هر پادیه گردانجی و لویشمنی و واجب

پیوسته است. سیستم قضائی مبتنی بر مجازات های بدنی که در عهد زمانی بسیار نسی است، بطریق اولی در قید مکان نیز واجد نسیت میباشد، زیرا هیچگاه یک نظام جزائی کلی و معتبر برای مجموع نقاط جهان وضع نگردیده است.

بهر تقدیر، آیا میتوان کيفرهای جسمانی غیر انسانی را در موارد سرقت و زنا متناسب با فلسفه ذاتی اسلام دانست که درباره کالبد و جسم انسان به منزله صنع پروردگار دارای موضع آشنی ناپذیری بوده و فقط ذات پاریتعالی را مجاز به تصرف در مصنوع خرد میداند؟ آیا فرد مسلمان میتواند به نقض عضو مبادرت کرده و در عین حال معتقد باشد که پروردگار او را از خلق شبیه چهره انسان منع کرده است؟

از نظر ما این مسئله محل تردید میباشد، بخصوصی که در آیات شریفه معدود که در این زمینه تزلزل گردیده مخاطب طوائف شرک و بت پرست قبل از اسلام بوده اند که پیش از محتوی به لغت حساسیت داشتند و از اینرو عامل هراس بعنوان عامل بازدارنده ضروری بوده است.

باتوجه به این مقتضیات، اشخاصی که استقرار مجدد میسر و مطلوب سن قرآنی را وجهه هست خویش قرار داده اند، بایستی درمتهای جرات کوشش خود را جهت تعبیر دورانیشانه متون و توسع در اجتهاد منبول دارند. تحلیل و تفسیر کوتاه نظرانه و یکجای خیه متون و تفسیر قاصر به استقرار نظام معنوی نوین نتواند بود.

هرگاه تصور شود که باقطع دست سارق مجرم اصلاح میگردد، تصویر رقت باری از اسلام زنده و پویا ارائه نموده ایم.

سیستم قضائی مرتبط با دوران قبل از اسلام با جوهر روحانی اسلام که متکی به رحمت و بخشایش لایتنالی پروردگار است مفایر میباشد.

شیخ زندگی ناماتوس پادیه نشینی بایستی برای همیشه زوده گردد. اسلام که جهان امروز را به علت وجود رؤیهای پدید استبدادی به استیضاح کشانیده است بریریت را در زمینه جزائی میکند.

دوره ای که لغو مجازات اعدام در شرف عالمگیر شدن است، اسلام با لطمه زدن به تمامیت کالبد انسان، حتی از طریق ضرب تازیانه، بیگانه است. در اسلام ذات پاریتعالی مالک ارواح و ابدان شناخته شده و در این باره قائم مقامی برایش تصور نیست.